

نقش برجسته و کتیبه تنگی ور (کتیبه سارگون دوم در تنگی ور)

محمد ابراهیم زارعی^(۱)



کلید واژه‌ها:

شوردا

تپه ازبکی

سارگون دوم

بابان جان تپه

گودین تپه

کیش سیم

کاخ خورس آباد

کاخ نینوا

موجش

آشور بانی پال

تیگلات پیله سر سوم

بابل

نبو

اورارتو

ماننا

الیپی

شوردا، مرکز استان خوزستان، دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تنگی‌ور	قبرس
نقش برجسته	اندیه
سین	البریه
شمش	کرلا
مردوک	مصر
آشور	ایشتر
هارهار	هومبانیگاش
سالنامه	زیکیرتو
	موساسیر

چکیده:

یکی از مهم‌ترین کتیبه‌ها و نقش برجسته‌های آشوری که در ایران قرار دارد و تاکنون به طور جدی به آن پرداخته نشده، کتیبه تنگی‌ور است. از آن به کتیبه خط میخی اورامانات هم نام برده می‌شود. این کتیبه اولین بار در سال ۱۳۴۷ توسط یک هیات از مرکز باستان‌شناسی ایران به سرپرستی آقای علی اکبر سرفراز بررسی و شناسایی گردید. (۱) از آن زمان تاکنون به خاطر شرایط سخت طبیعی مورد مطالعه‌ی جدی قرار نگرفته است. البته در پاره‌ای از نوشته‌ها به صورت مختصر اشاراتی به آن شده و لیکن در هیچ یک از آن‌ها به ترجمه متن کتیبه اشاره‌ای نشده و عموماً برداشت‌هایی کلی بوده است. اما در حدود دوازده سال پیش مقاله‌ای تحت عنوان "کتیبه سارگن دوم در تنگی‌ور" نوشته گرانت فرام به زبان انگلیسی در مجله شرق منتشر شد. (۲) که مقاله‌ای کامل و جامع است. و علاوه بر این که متن کامل کتیبه را آوانویسی و قرائت نمود، بررسی درباره خدایان، شاه، نام‌های جغرافیایی که توسط

آشوریان تصرف شده بودند انجام داد (۳) اما چون به برخی نامهای جغرافیایی که در سرزمین ایران قرار دارند کمتر پرداخته شده بود، لذا این مسئله موجب شد که نوشته حاضر به صورت یک مقاله تدوین گردد.

موقعیت: کتیبه‌ای که به نام کتیبه‌ی خط میخی اورامانات یا تنگی‌ور در داخل دره‌ای و بر دامنه‌ی کوهی به نام "کوه زینانه" در نزدیکی دهی به نام تنگی‌ور (۴) در شهرستان کامیاران قرار دارد. موقعیت این کتیبه در حدود ۵۰ کیلومتری جنوب غربی سنندج و ۵۰ کیلومتری شمال غربی کامیاران و ۸۵ کیلومتری غرب کرمانشاه و ۱۰ کیلومتری جنوب روستای قدیمی پالنگان (۵) واقع شده است. روستای مزبور در ۴۶۳۷ طول جغرافیایی و ۳۵۰۰ عرض جغرافیایی در ارتفاع ۱۲۲۰ متری از سطح اقیانوس‌ها قرار دارد. (۶)

سابقه مطالعات: با توجه به بررسی‌هایی که درباره کتیبه و نقش برجسته انجام گرفته، یکی از مهم‌ترین آثار آشوری جدید (نئو آشوری) در ایران و استان کردستان است. این اثر اولین بار از سوی هیاتی از مرکز باستان‌شناسی ایران به سال ۱۳۴۷ شمسی / ۱۹۶۸ میلادی مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت. (۷) نتیجه‌ی آن نیز در مجله بررسی‌های تاریخی به قلم سرپرست هیات منتشر شد (۸) و کپی از نقش برجسته و چند سطری از کتیبه برداشت شد. سرپرست هیات بررسی کننده نقش برجسته معتقد است که: "احتمالاً این نقش برجسته و کتیبه مربوط به اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد و مربوط به آشوری‌ها باشد" (۹) پس از او افرادی همچون فرانس والاک (۱۰)، جولیا ای راد (۱۱)، لوئیس لوین (۱۲)، ج بورکر کلاهن (۱۳)، ر. ر. بورگر (۱۴)، جان. ب. کورتیس (۱۵)، لویی واندنبرگ (۱۶) اشارات و مطالعاتی

انجام دادند که جامع ترین آن مطالعه‌ای است که گرانت فرام (۱۶) درباره کتیبه و نقش برجسته انجام داده است. هر چند که در سال‌های گذشته نوشته‌هایی هم به صورت پراکنده در برخی از گزارش‌های استان در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی درباره آن نوشته شده و لیکن انتشار نیافته (۱۷) است، اما بررسی‌هایی که توسط هیاتی از میراث فرهنگی کردستان با همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور برای نجات بخشی کتیبه صورت گرفته است امید است به زودی نتیجه توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی کشور مشخص و برای حفاظت و مرمت آن راه حل ارائه نمایند.

توصیف نقش کتیبه و برجسته:

نقش برجسته و کتیبه در دامنه کوه زینانه در جایی که به صورت یک طاق نما به ابعاد ۱/۷۰ متر بلندی و عرض ۱/۵ متر حجاری شده که طاق نما با قوس هلالی است. ارتفاع نقش برجسته (طاق نما) تا بستر رودخانه ۵۰ متر است و از قسمت بالای آن تا محل طاق نما در حدود ۲۰ متر است. به عبارتی کتیبه و نقش برجسته در داخل طاق نمایی قرار گرفته که به نظر می‌رسد برای جلوگیری از هر گونه دسترسی و تخریب بوده است و نقش برجسته و کتیبه در موقعیتی قرار دارند که دسترسی به آن سادگی و بدون وسایل و تجهیزات کافی امکان‌پذیر نیست (۱۸). البته قطعاً در زمان انجام کار حجاری و ساخت نقش برجسته و کتیبه، کوه شکل و فرم دیگری داشته و معمولاً پس از انجام کار صخره کوه را به صورت خاصی و به طور عمودی بریده‌اند، تا نقش برجسته و کتیبه سالم بماند. عمق طاق نمای فوق‌الذکر در بخش فوقانی نسبت به شیب کوه ۴۰ سانتی متر و در قسمت پایین در حدود ۳۰ سانتی متر است. (۱۹)

هر چند برخی بخش‌های کتیبه در اثر فرسایش و ساییدگی و حتی یخبندان‌های سرد زمستان در طول زمان پیش از بیست و هفت قرن آسیب دیده، ولی خوشبختانه

قابل رویت و مطالعه است. درون طاق نما و در جهت غربی آن نقش برجسته انسانی که احتمالاً شخص شاه باشد، به طول (۱/۵۰ سانتی متر) و پهنای ۳۰ سانتی متر به این ترتیب حجاری شده است. شاه دارای کلاهی تقریباً استوانه‌ای شکل و شبیه باشلق به اضلاع ۲۰×۲۰ سانتی متر بر سردارد. نقوش مشخصی نیز بر روی قسمت فوقانی کلاه او وجود دارد، پادشاه دارای ریش انبوه و پرپشتی است، ریش او از ۶ ردیف موهای مجعد تشکیل و طول ۲۳ سانتی و پهنای ۱۲ سانتی متر است. نقش برجسته به صورت نیم رخ حجاری گردیده، ولی ریش آن کاملاً از روبرو نشان داده شده و دارای ریش مستطیل شکل شبیه ریش‌های آشوری است. (۲۰) موهای این نقش برجسته به صورتی خاص در پشت سر جمع شده است. "کتیبه‌ای به خط میخی در کادری به ابعاد ۱۲۰×۱۳۰ سانتی متر که بین ۴۵ تا ۵۰ سطر می‌باشد و در فواصل هر سطر خطی موازی کشیده شده، وجود دارد، این کتیبه که از محاذی دهان نقش برجسته شروع شده قسمتی از موهای پادشاه را نیز فرا گرفته و بدین ترتیب در مقابل صورت تا زیرپای پادشاه و تمامی بدن آن را کتیبه پوشانده است و به علت طولانی بودن متن کتیبه، قسمتی از آخرین سطور را در کف سطح طاق نما حک کرده‌اند. (۲۱) تا آنجا که مشخص شده است نخستین آشورشناسی که تاریخی برای نقش برجسته پس از "سرفراز" ارائه کرد، جولیان راد بود، او در مقاله‌ای که به سال ۱۹۷۷ چاپ شد، پیشنهاد نمود که احتمالاً کتیبه مربوط به زمان تیگلات پیله سر یا سارگون دوم باشد (۲۲) این پیشنهاد براساس شناخت واژه (مرد) (مردان) در متن کتیبه بود، کتیبه‌ای که روی نقش برجسته و بیش از گذشت چند سال خوانده نشده و انتشار نیافته بود. (۲۳)

الف) کتیبه:

به طوری که اشاره شد کتیبه به خط میخی آشوری است و بر روی نقشه برجسته و

از محاذی دهان نقش برجسته آغاز شده است، که بخش‌هایی از سطرهای آن قابل قرائت نیست. از نظر مفاهیم و موضوع می‌توان آن را به پنج بخش اساسی تقسیم نمود. (۲۴):

- ۱- نیایش خدایان متعدد (سطر ۱-۱۰)
 - ۲- نام والقب سارگون دوم (سطر ۱۱-۱۲)
 - ۳- پیروزی‌های بزرگ پادشاهی سارگون دوم (سطر ۱۳-۳۶)
 - ۴- لشکرکشی به سرزمین کرلا (سطر ۳۷-۴۴)
 - ۵- انجام پیروزی‌ها و یاد بودها، کتیبه‌ها و احتمالاً تقدیس و نفرین (سطر ۴۵)
- آغاز و انتهای کتیبه (سطرهای ۱ و ۴ و ۵) بخش‌هایی از آن خوانا و لیکن نیست و براساس تصاویر مدارکی که توسط فرانس و الا از بقیه سطور کتیبه تهیه و با همت گرانت فرام خوانده شده است. (۲۵)
- به طوری که اشاره گردید "کتیبه تنگی‌ور" به خاطر اشاره به چندین موضوع حائز اهمیت است. این نشانگر اهمیت لشکرکشی سارگون دوم به منطقه‌ی شرق آشور و کوه‌های زاگروس که قلمرو اوراتوها ماننا، مادها، الیپی‌ها، عیلامی‌ها و برخی شاهک‌های منطقه بوده است، در ترجمه کتیبه، (۲۶) بسیاری از زوایای تاریک جغرافیایی تاریخی منطقه را روشن می‌کند و قطعاً بسیاری از علاقمندان را هم تشویق و ترغیب به مشخص کردن نام جاها و مکان‌هایی خواهد نمود که در کتیبه ذکری از آنها آمده است. در ادامه ترجمه کتیبه را عیناً از مقاله "فرام نقل می‌کنیم:
- ۱) خدای آشور (۲۷)... بزرگ همه خدایان ایگیگو و خدایان آنوناکو...
 - ۲)..... (۲۸)
 - ۳) خدای مردوک (۲۹)، سرور همه، او که فراهم‌کننده روزی همه مردم است.
 - ۴) خدای نبو (۳۰)، جانشین فرمانروا.....

- (۵) خدای سین (۳۱). سرور آسمان و زمین.....،
- (۶) خدای شمش (۳۲)، رئیس (مستول) عدالت در آسمان و زمین.....،
- (۷) خدای ایشتر (۳۳)، او که (مردان) را برای جنگ آماده می کند.....،
- (۸) هفت خدا (۳۴)، آنها که هدایت می کنند خدایان را (و) آنها که از میان پادشاهان مطلوبشان را انتخاب می کنند. در میدان جنگ و آنها را به پیروزی رهنمون می گردانند.
- (۹) خدایان بزرگ اداره کنندگان آسمان و زمین، آنها که حمله به معنی مخالفت و نبرد است.
- (۱۰) خدایان، آنانکه یابنده و تعیین کننده شاهان هستند، در جای مقدسشان فرمان می دهند به آنها افزودن زمین به زمین هایشان و آنها را قدرتمند می کنند از دیگر فرمانروایان.
- (۱۱) سارگن دوم، شاه بزرگ، شاه پیروزمند، شاه جهان، شاه آشور، پیروز بابل، شاه سرزمین سومر و آکاد، برگزیده از سوی خدایان بزرگ.
- (۱۲) فرمانده قهرمان،.... مرد، امیر پرهیزکار، مرد شگفت انگیز،... چوپان....
- (۱۳) خدایان آشور، نابو (نبو) و مردوک، خدایان، یاری دهندگان (من) عطا کردند به من یک پادشاهی بدون رقیب و موجب رسیدن آوازه من به عرش اعلی (حد اعلی) شدند.
- (۱۴) من به طور مداوم فرمان دادم چنانکه آماده شدند برای سپار، نیپور و بابل، و من غرامت پرداختم برای مکانهایی که از روی اشتباه آسیب هایی دیده بودند، به وسیله مردمی که دارای مقامهای ممتازتری از آنچه می باید می داشتند.
- (۱۵) من جمع آوری کردم برای خراج بالتیل (آشور) که گسیخته شده بود. (با احترام برای) شهری از هران... مردم را حبس نمودم. من برافراشتم سمبل کیدینیو را و (آشکار

مقابل یوغ و اسارت من.

(۲۴) من مطیع کردم هفت پادشاه سرزمین (ای یا) ناحیه‌ای از سرزمین یدنانه (قبرس)، خانه هایشان فرار گرفته به دوری میانه دریای غربی.

(۲۵) بیش از این، من شخصاً، (واقعاً سرزمین‌های بزرگ من) شکست دادم مردوک - اپل - ایدین، (مراداخ، بلادان) شاه سرزمین خالدیا، که ساکن بود در کنار دریا و اعمال کرده بود فرمانروایی، بر بابلی‌ها در مقابل خدایان.

(۲۶) بیش از این، تمام سرزمین بیت - یکین (۳۵) ... ثابت کردم من ...

(۲۷) آهونداری، شاه دیلمون (۳۶)، آرامگاهش به دوری لاگوس، در میانه دریا شبیه یک ماهی، شنیده بود از قدرت پادشاهی من و با گریه و فریاد، از من درخواست بخشش را نمود.

(۲۸) با قدرت و توانایی (بخشیدند به من) به وسیله خدایان بزرگ، سروران من، که برافراشتند سلاح‌های مرا، من نابود کردم تمام دشمنان را.

(۲۹) در سرزمین یدنانه (قبرس) که در میانه دریای غربی واقع شده بود به دوری مرز مصر (و) سرزمین موسکو، سرزمین پهناور آمورو، سرزمین هتی - در (تمام آن سرزمین).

(۳۰) تمام سرزمین گوتیوم، سرزمین دور مادها، (مادهای دور) به وسیله مونت بیکنی، سرزمین الپی، و سرزمین راشی در کناره سرزمین عیلام (الام)

(۳۱) آن‌هایی که زندگی می‌کردند در کنار رود

تیگراس (دجله) (قبایل) ایتویو، روبویو، هاتلو، لبدود و همرانو، اوبورو یوا (و) لیتایو.

(۳۲) آن‌هایی که در کنار رود سوراپیو (و) رود بوکنیو - (قبایل) گامبلو، هیندارو

(و) پوکادو (پوکیودو)، مردم سیوتنس، جلگه بی درخت و استپ از سرزمین یدبورو، به

همان مقدار که اینجا هستند.

- (۳۳) از شهر سمونه به دوری شهرهای (بوبه) (bube) و تیل هومبان که در سرحد عیلام (الام) قرار داشتند.
- (۳۴) سرزمین "کاردونیش" سراسر سرزمین‌های "بیت - آموکانی، بیت دککوری، بیت - شیلانی، و بیت - ساالی".
- کنار دریا واقع شده است، به همان اندازه که سرزمین دیلمون دور است (به دوری سرزمین دیلمون).
- (۳۶) من بر همه آنها فرمان راندم. من قرار دادم خواجهگانی (معمدینی) از حاکمان خودم برای آنها و قرار دادم یوغ شاهی خود را بر (گرده) همه آنها.
- (۳۷) در آن زمان مردمی از سرزمین "کرلا" ... آنها که ... توجه نکرده بودند (به هیچ) فرمانراوایی.
- (۳۸) اطمینان کرده بودند به پرتگاه‌های کوه‌ها و ... یکی از معتمدین من، حاکم تمام سرزمین ...
- (۳۹) آنها آماده نبرد و جنگ شده بودند ... عصبانی شدم و مردمشان را کشتار کردم.
- (۴۰) اسب‌ها، قاطرها، ... و ... موجودیشان را ... بازگرداندم (آوردم) و ...
- (۴۱) آنها موجب ویران شدن جاده‌های تمام سرزمینشان و ... مسدود نمودند چهار راه‌هایشان را.
- (۴۲) سربازان مرید من ... برای گرفتن قله کوه‌های خارج از دسترس شبیه عقاب‌ها (بودند).
- (۴۳) آنها دایر کردند، ... سلحشوران شان ... کوه‌ها ...
- (۴۴) بازماندگانشان ... مانند غنیمت جنگی (اسیر) به حساب آوردم.
- (۴۵) من یک نقش برجسته یادبود ساختم (ایجاد نمودم) و نقش زدم بر روی

تندیس هایی از خدایان بزرگ سروران من، من قرار دادم قبل از آنها تندیس پادشاهی خودم را (در حالت) نیایش برای قدرت خدائی و جادوئی آنها. (۴۶) پیروزی های خدای آشور، پدر خدایان (خدای خدایان). سرور... (۴۷) همه... (من نقش زدم بر روی آن.

(۴۷) (ممکن است ۳ سطر وجود داشته است)

(۱) (... (من به جای گذاشتم) برای شاهان، اعقاب خودم (...)

(۲ - ۴) ترجمه نشده. (امکان ترجمه از متن آشوری میسر نبوده است).

(چند سطر آثارشان ممکن وجود داشته است).

آنچه که اهمیت دارد، این است کتیبه و نقش برجسته با دو کتیبه دیگر که مربوط به زمان سارگون دوم به نام های سنگ استل قبرس (سطر ۲۳ - ۱)، سنگ استل نجف آباد (سطر ۱۴ - ۱) قابل مقایسه است. و در بسیاری موارد به ویژه در بحث مدح و ستایش خدایان و القاب شاهان مشترکاتی در آنها وجود دارد و به خدایان متعددی از جمله آشور، مردوک، نبو، سین، شمش، ایشتر، هفت خدا اشاره شده است. (۳۷) در این کتیبه به سرزمین های مختلفی از جمله مصر، عیلام، ماننا، ماد، کرلا، قبرس (یدنا، موسکو، آمورو، هتی، گوتیوم (گوتی ها)، مونت بیکنی، الیپی، راشی که در مجاورت عیلام قرار دارد و به قبایل: ایتویو، رویویو، هاتلو، لبدودود، همرانو، ابولو، رویوا، لیتابو، و به رودخانه های مختلفی که در سطر ۳۲ آمده اشاره کرده است و از شهر ساموناتیل هومبان، سرزمین "کاردونیش"، بیت - آموکانی، بیت دککوری، بیت - شیلانی، بیت سالی، خالدیا، بیت - یکین (۳۸) دیلمون اشاره شده است. ولی لشکرکشی و حمله سارگون دوم در این برهه از زمان بیش تر به دلیل سرپیچی از فرمان او توسط مردم سرزمین کرلا صورت گرفته است. چون در سطر ۳۸ - ۳۷ می نویسد: (در این زمان مردمی از سرزمین کرلا... آنها که توجه نکرده بودند به هیچ

فرمانراوایی، اطمینان کرده بوند، به کوه‌ها و پرتگاه‌ها و... و با یکی از معتمدین من، حاکم تمام سرزمین... آن‌ها آماده نبرد و جنگ شده بودند، عصبانی شدم مردمشان را کشتار کردم. (۳۹)... به نظر می‌رسد که عمده‌ترین هدف لشکرکشی آشوری‌ها برای گرفتن سرزمین کرلا و سرکوب مردمان و فرمانراوایان آن‌ها بوده است.

ب) سارگون دوم و سرزمین کرلا (Karalla)

هر چند که بررسی‌های باستان‌شناسانه دقیقی درباره موقعیت جغرافیایی (کرلا) انجام نشده است، موقعیت جغرافیایی آنجا بر اساس متون آشوری است و مدارکی که موید موقعیت دقیق جغرافیایی (کرلا) باشد بدست نیامده است. تا آنجایی که از موقعیت و متن کتیبه و نقش برجسته‌ی تنگی و استنباط می‌شود، یک رشته لشکرکشی آشوریان بر علیه کرلا (سطر ۴۴ - ۳۷) انجام شده بود، سرزمینی که در کوه‌های زاگرس و در شرق آشور قرار داشته است. در مطالعات جغرافیایی منطقه زاگرس در دوره آشورنو، که "ل. د. لویین" آن را بررسی نموده است. موقعیت "کرلا" را در مجاورت دریاچه زریوار تعیین نموده است. (۴) نقش برجسته و کتیبه تنگی و می‌تواند این نظریه را تقویت نماید که آشوریان برای یادمان و جشن یک پیروزی پس از لشکرکشی‌های جنگی بر علیه (کرلا) ایجاد شده باشد. (۴۱) به اعتقاد دیاکونوف (کرلا) در قسمت بالای زاب کوچک و شاخه‌های علیای آن قرار داشته که تا حدی تابع آشور بوده است (۴۲). البته این نقش برجسته و کتیبه در حدود ۷۵ کیلومتری جنوب شرق دریاچه زریوار از مریوان قرار دارد. در بررسی‌های حوالی سال ۱۳۷۱ شمسی ۱۹۹۲ میلادی که در منطقه کامیاران انجام گرفته (۴۳). بیش از بیست محوطه هزاره اول شناسایی شده که از اهمیت قابل توجهی برخوردارند (نقشه شماره ۱). براساس این بررسی منطقه پالنگان، تنگی و، یوزی در و به طور کلی کامیاران در هزاره اول ق.م بسیار با اهمیت است و حتی در مناطق همجوار از ۵ کیلومتر تا ۶۵

کیلومتری پیرامون کتیبه تنگی ور در منطقه «توبره ریزه»، «خامسان»، «موجش» آثار سوختگی تپه که مربوط به همین سال هاست به خوبی قابل مشاهده است. (۴۴)

اما در آخرین نقشه جغرافیای تاریخی آشورنو شاید تصحیحی بر نظریه دیاکونوف و لوین انجام گرفته است و در آن نزدیکی منطقه تنگی ور را با (کرلا) یکی دانسته‌اند (۴۵) بر کسی پوشیده نیست که آشوریان در زمان حاکمیت و قدرت خود به داشتن ارتشی نیرومند و پیروز در مقابله با (کرلا) در حداقل سه نبرد در خلال پادشاهی سارگون دوم در سال‌های (۷۱۶، ۷۰۶، ۷۱۳ ق.م) بر اساس سالنامه‌های سارگون که شناخته شده هستند، بوده‌اند، «آشورلی» (۴۶) از «کرلا»، «آیتی» (۴۷) از «البریه» که رهبری طغیان‌هایی علیه فرمانروای آشوری توسط «الوسونو» (۴۸) فرمانروای مانناها کسی که فعالیتی را با کمک شاه «اورارتو» بنام «روسا» رهبری و هدایت کرده بودند، در واکنش به شانزدهمین طغیان در (سال ۷۱۶ ق.م) سارگون لشگرکشی به داخل کوه‌ها را خود فرماندهی کرد و تمامی یاغیان را سرکوب نمود. سالنامه‌های آشوری به خسارات و زیان‌هایی که به آنجا وارد نموده بودند و سرنوشت آشورلی هم اشاره دارند. (سطر ۹۰-۹۱ سالنامه) (۴۹).

اما براساس نوشته کتیبه (سالنامه آشوری سال ۷۰۶ ق.م) (۵۰):

(با احترام به آشورلی از سرزمین «کرلا»، (و) «آیتی» از سرزمین «آلبریه»، کسی که از میان برداشته، یوغ و بندگی خدای آشور (و) و مرا در حقارت قرار داد، من پوست «آشورلی» را کندم، مردم سرزمین «کرلا» را تبعید کردم، به جای بسیار دور، و «آیتی» باهم، خانواده‌اش را، و من در سرزمین «آماتو» استقرار یافتم، در استل پیروزی سارگون دوم که در نجف آباد (۵۱) (در دره اسدآباد حدود ۱۵ کیلومتری شمال شرق دره کنگاور در غرب ایران) یافت شده بدین شرح است:

(من آشورلی را از شهر «کرلا» اسیر کردم. یک بدکار (شریر) در میان لشکرگاه من، او

را برداشتم (از میان بردم) با هم با سربازانش، و قرار دادم در (آهن) زنجیره های (من) کوچاندم و تسخیر نمودم شهرم آشور را (آشوریان) من اضافه نمودم شهر، "کرلا" را هم با بخش های آن به ایالتی از شهر "لولومه" (۵۲).

پیروزی های سارگون در سال ۷۱۶ ق.م مشخص نیست، اما به هر حال، به مخالفت ها و ضدیت ها با آشور در "کرلا" پایان داد. مردم "کرلا" بعداً صاحب منصبانی که سارگون برای آنها قرارداد داده بود و برادر آشورلی، امیتاشی (۵۳) و رهبران را بیرون کردند، در نهمین سال (۷۱۳ ق.م) سارگون دوم حمله نظامی علیه "کرلا"، سرزمین "الیپی" و سرزمین "مادها" انجام داد (۵۴).

سارگون خودش، پیروزی بزرگی بر نیروهای "کرلا" در "مونت انا" و امیتاشی بدست آورد و احتمالاً آنها به سرزمین شورا گریختند (۵۵).

عبارتی در کتیبه تنگیه ور که تا حدی هم سالم باقی مانده، لشکرکشی به کرلا را توضیح می دهد، اما هیچگونه انطباق دقیقی با دیگر لشکرکشی های آشوریان (سارگون دوم) سال های ۷۱۶ ق.م و یا ۷۱۳ ق.م ندارد. به هر حال ما نمی دانیم که این کتیبه پس از فرمانروایی شاهان، پس از این رویداد ایجاد شده است، سطرهای (۲۷) - (۲۵) کتیبه مغلوب کردن مراداخ بلادان (مردوک اپل ایددین) فرمانروای بابلیان ثبت شده و همچنین فرمانروای "دیلمون" هدیه ای برای سارگون دوم ارسال نمود. سارگون فرماندهی سپاهی جنگی بر علیه "مراداخ بلادان" در ۷۱۰ و ۷۰۹ ق.م به عهده داشت که در نتیجه این نبرد "مراداخ بلادان" پایتختش را تسلیم نمود، سارگون دوم سرزمین خدای مردوک را تسخیر نمود و بر تخت بابلیان در یک جشن سال نو در سال ۷۰۹ ق.م در بابل جلوس نمود. او سپس برای تصرف پایتخت قبیله ای "مراداخ بلادان" امیر نشد، او فرار کرد و از اطاعت و فرمانبرداری جانشین سارگون یعنی سناخریب سرباز زد. در سالنامه های سارگون دوم رخدادهای واقعی که فرمانروای "دیلمون" هدیه ای

برای شاه آشور در زمان لشکرکشی سیزدهمین سال پادشاهی او (سال ۷۰۹ ق.م) فرستاده ضبط کرده‌اند، اما ممکن است که این رخداد مربوط به سال‌های پیش بوده باشد. (۵۷)

به اعتقاد گرانت فرام: «سارگون خودش فرماندهی و رهبری لشکرکشی نظامی در سال ۷۰۶ ق.م را برعهده نداشته است. لشکرکشی به بیرون از مرزهای آشور برعلیه "کرلا" توسط صاحب منصبان او (سارگون) صورت گرفته است. در ارتباط با این مسئله، این کتیبه و نقش برجسته سزاوار و دارای آن ارزش و اعتبار نیست که شخص اول مملکت آشور در لشکرکشی به "کرلا" حضور داشته باشد، به هر صورت خیلی مشخص نیست. (سطرهای ۴۴ - ۳۷ کتیبه تنگی ور). بنابراین به نظر می‌رسد که نقش برجسته و کتیبه تنگی ور احتمالاً در همان سال (۷۰۶ ق.م) کنده‌اند یا حداقل احتمالاً در سال ۷۰۵ ق.م پایان فرمانروایی سارگون دوم ایجاد شده باشد». (۵۸)

عبارتی که در کتیبه تنگی ور لشکرکشی به "کرلا" را توضیح می‌دهد، در اثر فرسایش بسیار دقیق خوانا نیست، لذا صرفاً بخشی از آن خواناست. یاغیان و سرکشان "کرلا" با نیروهای آشوری مشخص نیست. به هر صورت احتمالاً عبارتی است که گزارش می‌دهد چه گروه‌هایی از مردم "کرلا" فرمانبرداری فرمانروای خارجی را نکرده بودند و مخالفت و سرکشی نمودند، در مقابل صاحب منصبی که سارگون برای آنها قرار داده بود. بسیاری از مردم "کرلا" به مخفی گاه‌های داخل کوه‌های زاگرس و دور دست فرار کردند و مابقی به دست آشوریان اسیر شدند و اموالشان به غنیمت برده شده است. (۵۹). ولی کتیبه‌ای با این اهمیت نمی‌تواند بدون حضور و فرماندهی لشکرکشی توسط سارگون دوم انجام شده باشد، هر چند که مدرک مستندی موجود نیست اما موقعیت و تاکید بر تمام سرزمین‌ها و بویژه اشاره به رخداد‌های "کرلا" موید این مطلب که سارگون احتمالاً خود در لشکرکشی حضور داشته است.

ج) سارگون دوم و شهرهای هارهار - کیش سیم، شورداد:

در کتیبه تنگی و در سطر (۱۶) به شهرهای هارهار، کیش سیم، شورداد اشاره شده که مردم آنجا به اسارت گرفته شده‌اند و اموال و شهرشان به غارت رفته است، نکته قابل توجه این است که آشوریان پس از تسخیر نواحی مختلفی در طی حملات مختلف از زمان حملات تیگلات پیله سر سوم تا آشور بانی پال معمولاً پس از بازگشت تصویر شهرها و کاخ‌ها و دژهای مختلفی را که تسخیر و تخریب می‌نمودند در کاخ‌های خود ترسیم و نقش برجسته آن‌ها را ایجاد می‌کردند، که یکی از کارهای قابل توجه آن‌ها این مستندسازی بوده باشد، هر چند احتمالاً تصویری را که نقاشان و حجاران و نقش برجسته سازان کشیده‌اند همان نباشد، ولی در کاوش‌های باستان‌شناسی تا حدود زیادی این نقش برجسته با واقعیات انطباق داشته است.

یکی از شهرها یا کاخ‌هایی که مکرر در سالنامه‌ها و کتیبه‌های آشوری از آن یاد شده و نقش آن هم تصویر شده شهر «هارهار» (خارخار) بوده است، به اعتقاد ل. د. لوین منطقه هارهار در بین دره‌های جاده خراسان بین کردستان و کرمانشاه بوده است (۶۰) هارهار احتمالاً در دره کرمانشاه یا ماهیدشت واقع شده است. ظاهراً پس از حمله آشوری‌ها به استانی آشوری تبدیل شده تا پایگاهی بر نظارت بر مادیها باشد (۶۱) (تصویر و نقشه) این نکته در اینجا اهمیت بیش‌تری می‌یابد که تصویر شهر «هارهار» که در کاخ خورس آباد در زمان سارگون دوم نقش گردیده است. در بررسی‌های جدید آن را با شهر ملایر منطبق دانسته‌اند، (۶۲) البته دیاکونوف هم بر اساس سالنامه آشوری «سیمرامید» موقعیت آن را در شمال همدان دانسته است، (۶۳) که به نظر میرسد دژ نوشیجان (۶۴) در نزدیکی ملایر باشد.

شهر کیش سیم: یکی از دیگر نقاط مهمی که در کتیبه به صراحت از آن یاد شده شهر «کیش سیم» است نقش برجسته این شهر در کاخ خورس آباد در زمان سارگون

دوم ساخته شده است. هر چند که شاید به طور دقیق نتوانیم موقعیت جغرافیایی این مکان مهم را بیابیم ولیکن این محل را هم مرز با سرزمین عیلام می‌دانند. (۶۵) تصویری که از کیش سیم داریم، منطقه‌ای جغرافیایی از زاگرس را نشان می‌دهد که منطقه‌ای کوهستانی است. دیاکونوف آن‌ها را در سلسله جبال شمال دره کرمانشاه در جهت شرقی-غربی تا بستر شاخه‌های دیاله ممتد بوده می‌داند و کیش سیم (کیش سه) را یکی از پنج ایالت "زاموا"، "بیت هامبان"، "خارخار"، "کیش سو" می‌داند که دو ایالت اخیرالذکر را معتقد است که سارگون دوم تاسیس نموده است. (۶۶) البته این نقطه توسط سارگون ویران شده. مگر پس از ویرانی این اتفاق رخ داده باشد. لازم به ذکر است که این دو نقطه یعنی "کیش سیم" و "خارخار" (هارهار) هر دو متعلق به دیوک (دیاکو) مادی بوده‌اند، چون آشوری‌ها از آن به عنوان یک نقطه مادی یاد کرده‌اند و ضمناً تصویر قلعه را بر روی یک نقطه مرتفع قرار داشته و دارای چندین حصار و با برج‌های مشخص نشان می‌دهد، البته کتیبه تنگی ور در جایی قرار دارد که در حوالی منطقه کامیاران به ویژه منطقه موچش به دنبال قلعه (شهر) کیش سیم باشیم. شاید بیراهه نرفته باشیم، البته در نوشته‌های جدید "کیش سیم" با منطقه نجف آباد در اسدآباد که کتیبه و نقش برجسته سارگون دوم در آنجا یافته شده منطبق دانسته‌اند. (۶۷)

شهر شورداء: قلعه‌ای مادی بوده که احتمالاً نام‌هایی تحت عنوان: شورگادیا (۶۸) و گانغوتا (۶۹) در کاخ خورس آباد تصویر شده است (۷۰). موقعیت دقیق جغرافیایی آن‌ها مشخص نیست، ظاهراً این شهر در ناحیه پارسوا قرار داشته و پارسوا هم به محدوده‌ای بین دریاچه زریوار و منطقه ماهیدشت گفته می‌شده است. (۷۱) بنابه اعتقاد دیاکونوف این شورداء که می‌توان آن را "پادیرا" نیز خواند شاید هم "شیمری خادیری" متون اورارتویی باشد، شورداء به موجب نوشته (سالنامه‌های

تالار ۱۴، سارگون ۲ (سطر ۷) بر سر راه "کرلا" (در بخش علیای زاب کوچک بالاتر از سردشت) دژ کیشه سو - یعنی ظاهراً در بالادست جفتو و شاخه‌های آن قرار داشته است. (۷۲) احتمالاً شهر مورد نظر یکی از محوطه‌هایی باشد که تاریخ گذاری آن مربوط به هزاره اول قبل از میلاد باشد. در فاصله بین "کرلا" و منطقه غربی آن قرار دارند.

در کتیبه تنگی ور از شوردا به صراحت به عنوان شهر یاد شده است، در بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی هم تمامی شهرهای مادی و ماننایی و حتی اوراتویی دارای برج و بارو بوده‌اند و کهن‌دژی در مرکز و احتمالاً شارستانی پیرامون آن قرار داشته است و لذا به سایر نقاطی که مورد توجه و تهاجم آشوریان بوده به عنوان سرزمین یاد شده است. به نظر می‌رسد این سرزمین‌ها شاید گاهی استقلال نسبی داشته‌اند، چون در همین سطر از کتیبه به سرزمین کرلا، مادها، الپپی و... اشاره شده است.

(د) سرزمین‌های: هومبان نیگاش عیلامی، الپپی، اندیه، ماننایی، مادها و... در کتیبه تنگی ور

برای ما روشن است آشوریان در یک مقطع زمانی دارای چنان قدرتی بوده‌اند که توانسته‌اند حملات پی در پی و متعددی را به سرزمین‌های شرق و غرب خود داشته باشند، تمام عایدات و هزینه‌های ساخت کاخ‌های وسیع و گسترده‌ای همچون خورس آباد، نینوا (۷۳)... از خراج و غنیمت‌های سرزمین و مردمانی حاصل می‌شد، که به صراحت از آن‌ها در کتیبه نامبرده شده و عموماً این لشکرکشی‌ها قرین موفقیت برای آشوری‌ها بوده است، به ویژه در زمان سارگون دوم (۷۴)، این پیروزی‌ها بسیار پررنگ و چشمگیر است. چون خاک آشور به معنی اخص آن از لحاظ منابع طبیعی و معدنی بسیار فقیر بود و این واقعیت، لشکرکشی‌های غارتگرانه آشوریان را به نواحی

است. (د) سرزمین‌های: هومبان نیگاش عیلامی، الیپی، اندیه، ماننایی، مادها و... در کتیبه تنگی ورت (۷۳) ... از خراج و غنیمت‌های سرزمین و مردمانی حاصل می‌شد، که برای ما روشن است آشوریان در یک مقطع زمانی دارای چنان قدرتی بوده‌اند که توانسته‌اند حملات پی در پی و متعددی را به سرزمین‌های شرق و غرب خود داشته باشند، تمام عایدات و هزینه‌های ساخت کاخ‌های وسیع و گسترده‌ای همچون خورس آباد، نینوا (۷۳) ... از خراج و غنیمت‌های سرزمین و مردمانی حاصل می‌شد، که به صراحت از آن‌ها در کتیبه نامبرده شده و عموماً این لشکرکشی‌ها قرین موفقیت برای آشوری‌ها بوده است، به ویژه در زمان سارگون دوم (۷۴)، این پیروزی‌ها بسیار پررنگ و چشمگیر است. چون خاک آشور به معنی اخص آن از لحاظ منابع طبیعی و معدنی بسیار فقیر بود و این واقعیت، لشکرکشی‌های غارتگرانه آشوریان را به نواحی دور و نزدیک الزام می‌کرد، این چنین است که وظیفه پادشاهی آشور نو به جنگ پیشگی و نظامیگری محدود می‌شود (۷۵).

یکی از سرزمین‌هایی که آشوریان با آن‌ها دائماً در هر دوره درگیر بوده‌اند سرزمین عیلام (۷۶)، بوده است که شهر هومبانیگاش احتمالاً در منطقه شمالی محدوده جغرافیایی عیلامی واقع شده بود.

سرزمین الیپی: یکی از مناطق مهمی که در لشکرکشی سال ۷۰۶ ق.م در منطقه زاگرس زمان سارگون دوم مورد توجه بوده سرزمین الیپی است، این منطقه را با لرستان یکی می‌دانند. که بین کرمانشاه و عیلام قرار داشته است. در لرستان دومین قلمرو پادشاهی منطقه زاگرس با نام الیپی به قدرت رسید، پادشاهی الیپی هم مانند مانناها موروثی بود... (۷۷) لوین به صراحت از این نقطه در شمال غربی لرستان یاد می‌کند و معتقد است که در فاصله بین عیلام و آشور واقع شده بود. (۷۸)

سرزمین اندیه: شاهک نشینی در سرزمین ماد بزرگ بوده است (۷۹)، موقعیت اندیه به طور دقیق مشخص نیست و لیکن اگر مصب سپید رود (قزل اوزن) که در نزدیک حسن کیاده به دریای مازندران می‌ریزد، مسیر رود برخلاف جریان آب به سمت جنوب دنبال شود، رود در یک خط مستقیم از استان گیلان امروزی خارج شده و از طریق دره باریکی از البرز می‌گذرد، اینجا پوشیده از جنگل‌های انبوه است، که رود شمالی‌تر از این مکان از شمال غرب به سمت جنوب شرق. میان کوهسارهای آق داغ (ادامه البرز) و آق گدوگ جریان می‌یابد، (۸۰) دره‌ای که در اینجا بخش سفلی دره سپید رود واقع است در عهد باستان اندیه نام داشت. (۸۱)

سرزمین ماننا: از نقاطی که شاید مطالعات درخوری درباره آن صورت نگرفته باشد، سرزمین مانناها بوده است، (۸۲) ولی در بررسی‌ها و کاوش‌های اخیر باستان‌شناسی در نقاط مختلفی از غرب و شمال‌غرب ایران (۸۳) به ویژه استان‌های آذربایجان غربی و شمال کردستان، آثار قابل توجهی از ماننا شناخته شده است تا حدودی موقعیت جغرافیایی آن هم مشخص است و پادشاهی موروئی داشته است، سرزمین آن‌ها دارای قلعه‌های مختلفی بوده که آشوری‌ها عموماً در لشکرکشی آن‌ها را به تصویر کشیده‌اند (۸۴).

سرزمین مادها: در سطر (۱۶) کتیبه تنگی ور در کنار نام‌های سرزمین‌ها و شهرهایی که در بالا مورد اشاره قرار گرفتند، نام سرزمین مادها هم آمده است، محدوده جغرافیایی تا حدود زیادی مشخص است که در مقاطع مختلف ماد کوچک و ماد بزرگ (۸۵) چگونه وضعیتی داشته است اما آنچه که اهمیت دارد قلعه‌های زیادی به نام مادها در کاخ‌های آشوری ثبت شده که از آن‌ها با نام‌های قلعه کیش سیم، قلعه کیش سشلو، قلعه هارهار، قلعه شورگادیا در کاخ خورس آباد، قلعه‌ای مادی در کاخ نمرود، کاخ تیگلات (کاخ سرگری)، کاخ مادی بیت با گایا در خورس آباد سارگون

دوم قلعه مادی کنیدانائو در خورس کاخ سارگون (۸۶)، نقش شده نشانگر اهمیت سرزمین ماد همسایه‌ی مهم آشوری‌های همزمان پس از افول قدرت مانناها، اورارتوها و عیلامی‌ها بوده است. به هر حال در کاوش‌های منطقه غرب و مرکز ایران در گودین (۸۷)، باباجان (۸۹)، نوشجان تپه (۹۰)، تپه هگمتانه همدان (۹۱)، تپه ازبکی (۹۲)، آثار معماری از مادیها یافت شده که عموماً ساختمان‌های آن‌ها دارای برج و باروی قابل توجهی است و با نقش برجسته‌هایی از این شهرها توسط آشوری‌ها ترسیم شده انطباق دارند اما دقیقاً نمی‌دانیم هر یک از نقش برجسته با کدام یک از مکان‌های اخیر الذکر انطباق دارند، به هر حال کتیبه تنگی ور می‌تواند کمک موثری در کاوش‌های باستان‌شناسی منطقه غرب کشور بویژه استان‌های کردستان، کرمانشاه، همدان، آذربایجان غربی نماید.

ه) نقش برجسته:

این تنها نقش برجسته‌ی صخره‌ای آشوری شناخته شده زمان سارگون دوم است که در ایران حجاری شده است، البته یک کتیبه و نقش برجسته هم از سارگون دوم در ایران کشف شده که اکنون در موزه ملی ایران نگه داری می‌شود و به نام کتیبه نجف آباد مشهور است. (۹۳) این گونه کار نقش برجسته سازی چه با کتیبه و یا بدون کتیبه در میان رودان مرسوم بوده است و سابقه آن به اواخر هزاره سوم ق.م باز می‌گردد. (۹۴) البته این عادت بود که حاکمان منطقه میان رودان برای ساخت نقوش برجسته و کتیبه در منطقه خاور نزدیک داشتند و مهم‌ترین نقش برجسته آشورنو، نمونه‌هایی بی‌همانند: (میلامرچی) تیگلات پیله سر و "باویا" مربوط به زمان (سناخریب)، جودی داخ (سناخریب)، مالتای (سناخریب) شهر الکلب (اسارهادون) یافت شده است. (۹۵) به طوری که اشاره شد نقش برجسته تنگی ور که در یک طاق نما بر دامنه کوه قرار دارد، طاق نمایی که در حدود ۱۷۰ سانتی متر و ارتفاع ۱۵۰ سانتی متر عرض آن

است. این نقش برجسته در طاق نمای مورد اشاره محاط شد و نشانگر پیکره‌ای استاندارد که در حالتی روی به سمت راست و دست راستش بلند کرده و دست چپش را مشت نموده و در مقابل شکم قرار داده را نشان می‌دهد. حالت پیکره یک فیگور شاهانه است و نوعی ریش استاندارد را دارد که معمولاً در نقوش برجسته شاهان میان روان و به ویژه آشوری قابل رویت است. (۹۶) به صورت چهار گوش تا انتها است. بعضی چیزها از پشت سر به موی او آویزان است. ممکن است یک منگوله یا نوار تزئینی به کلاهش و منگوله‌ای هم به انتهای کمر بند (شال) پوشاکش متصل شده باشد. کلاهی که به سردارد استوانه‌ای شکل که بخش مخروطی در بالای آن قرار دارد و احتمالاً کلاه سلطنتی است. چون با کلاه‌های نقوش برجسته‌ی آشوری قابل مقایسه است. هر چند بخش‌هایی از چهره نقش برجسته در سالیان گذشته دچار آسیب و فرسایش شده است و حتی بر روی تصویرها و شکل ارائه «علی اکبر» شده سرفراز پیدا و نمایان نیست. (۹۷) هر چند در طرح مزبور مشخص نیست که در دست چپ نقش برجسته چه چیزی قرار دارد. از آنجایی که در تصویر نقش برجسته‌های سلطنتی در برخی از استل‌های آشوری نو در حال حمل یک عصا در دست راست هستند. و احتمالاً یک عصای شاهانه یا گری سلطنتی را در دست دارند. لذا اگر این تصور را داشته باشیم شایسته‌تر است. طرح دست آزادی که سرفراز از وضعیت دست چپ نقش برجسته و تصویر و شرح کتیبه ارائه داده مناسب نیست، هر چند که مشخص و قابل رویت است، نقش برجسته چیزی را با دست راستش که آن را بلند کرده و حمل نموده است. صورت به سمت راست است. خواسته یا ناخواسته، دست راست نقش برجسته بلند شده مورد تایید است دست دیگر به طور دقیق مشخص نیست. مهم‌ترین استل‌هایی که حاکم آشوری را نمایش و مشخص می‌کند، سمبل‌های مختلف و گوناگونی از خدایانی هستند که در قسمت فوقانی استل در

مقابل تصویر و بعضی از بخش‌های پشت سر او قرار دارد، در دست راست تصویر که بلند شده است، تصویری ساده حاکی از تکریم یا نیایش و ستایش را نشان می‌دهد. در یک نظر احتمالی تقریر سطر ۴۵ متن کتیبه تنگی ور، تصاویری از خدایان را حجاری نموده دارد که فیگور و حالت نقش برجسته نشانگر نیایش و احترام به سوی آن‌ها بوده است، و شاید یافتن سمبل‌های خدایان در بخش فوقانی نقش برجسته را هم انتظار داشته باشیم هر چند که آثاری از حجاری در سمت راست صورت نقش برجسته شاه آشوری در نقش برجسته تنگی ور قابل مشاهده است، البته به صورت متن دقیق قابل تشخیص نمی‌باشد. (۹۸) هر چند که از این سمبل‌ها به آثار اندکی باقی مانده و در طرح سرفراز هم مشخص است. با نقوش برجسته و سمبل‌هایی از خدایان آشوری دوره آشور نو قابل مقایسه با نقش برجسته‌های همچون قبرس، نجف آباد، کاخ‌های خورس آباد و... است. ذکر این نکته ضروری است که نقش برجسته از نظر ظرافت و دقت با هیچیک از نقوش برجسته پیش گفته قابل مقایسه نیست و به نظر می‌رسد که ناشی از چند علت باشد، نخست آن‌که این نقش برجسته از زمان حمله خود سارگون دوم به منطقه "کرلا" نبوده است، بلکه بسیاری معتقدند که نقش برجسته توسط صاحب منصبان حکومتی سارگون که مسئولیت و فرماندهی لشکرکشی به شرق آشور را داشته‌اند انجام شده، دوم و عامل اصلی شاید باشد و آن این‌که نقش برجسته در یک ارتفاع قابل توجه است و کاملاً متفاوت با نقش برجسته نجف آباد و قبرس و حتی کاخ‌های آشوری است. هر چند که در منطقه در زمان حمله تحت تسلط آشوریان بود، ولیکن احتمالاً عدم امنیت، زمان کافی و موقعیت نقش برجسته اجازه دقت بسیار را نمی‌داده که آنقدر به متن کتیبه تاکید شده به نقش برجسته هم پرداخته شود، سوم این‌که عوامل فرسایش در نقش برجسته هم بسیار موثر است پس از ۲۷ قرن زمان در مواجهه با تغییرات شدید دمایی منطقه کامیاران (تنگی ور) قطعاً تاثیر

بسیاری بر تغییرات و از محوشدن ظرافت‌های آن شده باشد، به هر صورت به نظر می‌رسد که دو عامل اخیر از اهمیت و اولویت برخوردارند تا عامل سوم چون لشکرکشی‌ها و نوع ادبیات کتیبه حاکی از یک حمله و لشکرکشی مهم آشوری‌هاست و کشتارها و ویرانی‌ها و بقایای سوختگی در چند تپه و محوطه هزاره اول منطقه این مسئله را تایید می‌نماید.

(و نتیجه‌گیری: در مورد نقش برجسته حاکمیت سارگون دوم در تنگیور، نتیجه‌گیری درباره نقش برجسته بسیار دشوار است، چرا که برای اطلاعات دقیق و کافی از جزئیات بازنگری، طراحی و کپی برداری از نقش برجسته و حتی کتیبه امری اجتناب‌ناپذیر است. چون موقعیت کتیبه و نقش برجسته طوری است که دسترسی به آن به سادگی امکان‌پذیر نیست، تجهیزات و امکانات ویژه را می‌طلبد و موقعیت آن بر دامنه کوه موجب شده که کتیبه و نقش برجسته در وضعیت بدی در مواجهه با عوامل طبیعی حفظ شود، این کتیبه و نقش برجسته حاکمیت سارگون دوم را در یک لشکرکشی به "کرلا" و همسایگان شرقی آشور در حوالی سال ۷۰۶ ق.م و حتی سال‌های قبل را با ایجاد این نقش برجسته و کتیبه نمایش می‌دهد، کتیبه متن ادبی و تاریخی سودمندی است که اطلاعات نسبتاً جامعی از ایران و کشورهای غربی همسایه آشور دوره آشوری نو را ارائه می‌دهد. نکته قابل توجهی هم در کرونولوژی آشوری مصری را نشان داده است. (۹۹)

به طوری که در بالا اشاره شد چند موضوع باید در نتیجه‌گیری مورد توجه قرار گیرد، نخست این‌که اهمیت منطقه‌ای است که کتیبه در آن جا ساخته شده است. ساخت کتیبه در این منطقه نشانگر موقعیت استراتژیک محدوده خاص جغرافیایی است که در طی سالیان متمادی مورد هجوم آشوریان قرار گرفته، به ویژه در هزاره اول قبل از میلاد و یعنی مقطع زمانی که در برخی از تپه‌های مناطق مجاور

از جمله منطقه موچش "توبره ریز" "تیانه" "خامسان"، "تنگی ور"، "زیویه"، و... که در نقشه شماره ۱ مشخص شده، نشانه هایی از آتش سوزی و تخریب وجود دارد قطعاً نشانگر هجومی گسترده را دارد که به احتمال بسیار زیاد این اتفاق توسط لشکریان آشوری در این برهه از زمان صورت گرفته است. محدوده جغرافیایی پیرامونی کتیبه و گذرگاهی که منطقه هورامان را به ناحیه کامیاران و مریوان را به هم متصل می سازد، مؤید اهمیت گذرگاه و منطقه است. راه ارتباطی مهمی برای منطقه مریوان در شمال شرق آشور، یا اورامان، منطقه کامیاران، سنندج، نجف آباد (اسدآباد) و دهها محوطه و تپه با تاریخ گذاری هزاره اول و قبل از آن بوده است.

نکته سوم هم این است که یکی از راه های مهم دسترسی به منطقه حاصلخیز دشت میان کامیاران، کرمانشاه و منطقه موچش و کامیاران و حتی جنوب دهگلان این گذرگاه است، این را باید پذیرفت، آشوریان کتیبه های خود را در نقاطی که از اهمیت خاص برخوردار بود و حتی در معرض دید باشد ایجاد می کردند، چون آنها در کاخهایشان فضایی برای پذیرفتن میهمانان با نقش برجسته هایی از سرزمین متصرفه ایجاد می کردند، که نمونه های باز آنها تصویر قلعه ها و شهرهای مادی، ماننایی و اورتویی و... در کاخ های خورس آباد نینوا و... است.

با بررسی های دقیق و کاوش های باستان شناسی می توان موقعیت جغرافیایی نام شهرها و سرزمین های یاد شده در کتیبه مشخص نمود، این واقعیتی غیر قابل انکار است که متن کتیبه و حتی نقش برجسته تنگی ور در تاریخ ایران هزاره اول قبل از میلاد (حدود سال ۷۰۶ ق.م) و گوشه هایی از تاریخ مصر (۱۰۰۰) واجد اهمیت است و می توان نام های جغرافیایی ثبت شده در کتیبه و نقش برجسته شهرها و سرزمین های مورد هجوم آشوریان در مناطق غربی ایران را با آنچه که در بررسی های باستان شناسی بدست آمده در کمک به روشن نمودن تاریخ منطقه موثر باشد. امید

است که این نوشته محققین ارجمند را به تحقیق و تفحص بیشتر و دقیق تر در این محدوده زمانی تشویق و ترغیب نماید، تا بتوان نقشه‌ای نسبتاً دقیق از اسامی مورد اشاره کتیبه مربوط به سرزمین ایران ترسیم نمود.

پی نوشت‌ها:

- ۱ - بنگرید به: علی اکبر سرفراز، سنگ نبشته میخی اورامانات، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۳ دوره سال ۱۳۴۷ - ص ۲۷ - ۱۳
- ۲ - بنگرید به: Graht.frame.The Inscription of Sargon II at Tang-i-Var(Tab-I-xv111)Orientalia. vol.68.FASC.1.1999.
- ۳ - علاقمندان و محققین برای اطلاعات بیشتر بنگرید به اصل مقاله که در شماره ۲ پی نوشت ارائه شده است.
- ۴ - روستای تنگی ور: از دهستان بیلوار شهرستان کامیاران استان کردستان. در ۵۰ کیلومتری شمال باختری کامیاران و ۱۰ کیلومتری جنوب روستای قدیمی پالنگان واقع است، کوهستانی - سردسیر است (بنگرید به فرهنگ جغرافیایی ایران - جلد ۵، استان ۵ - کردستان)، آثار مهمی از هزاره دوم و اول ق.م در آن محدوده شناسایی شده که کتیبه تنگی ور نمونه بارز و شاهی بر این مدعا است.
- ۵ - روستای پالنگان یکی از مکان‌های قدیمی منطقه غرب کشور به ویژه استان کردستان است که از گذشته دور تا اوایل حکومت صفوی دارای قلعه بود و یک مرکز مهم سیاسی - نظامی محسوب شده است و یکی از چهار قلعه معروف کردستان، قلعه‌ای بنام پالنگان در آن قرار داشته است (بنگرید به تحفه ناصریه تالیف میرزا

شکراه سنندجی / به کوشش حشمت اله طیبی. امیر کبیر، ۱۳۶۶ ص ۸۲ و ۱۰۲)، بقایای قلعه هنوز موجود است. و در بررسی‌های اولیه هم نشان از وجود آثار مهمی از دوره تاریخی - اسلامی در آن منطقه دارد (بنگرید به: بررسی منطقه شاهو - رسول اشتودان - آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان ۱۳۷۱)

6-Frame. Op.cit.p.33

۷- سرفراز، پیشین، ص ۱۶.

۸- پیشین همانجا.

۹- پیشین، ص ۱۶.

۱۰- فرانس والا، عکسبرداری حرفه‌ای و کاملی از نقش برجسته و کتیبه تنگی ور

نجام داد و اساس مطالعات مقاله گرانث فرام. بوده است (Fram.op.cit.p.32)

۱۱- بنگرید به:

J.E.Reade.Shikaft-I-Gulgul; Its Date and symbolism-IRANT.12.1977

۱۲- برای اطلاعات بیشتر در باره ایران در دوره آشوری نو "بنگرید به مقالات

تحقیقی ل.د. لوین در مجله IRAN تحت عنوان: علوم انسان‌شناختی در ایران باستان

L.D.Levine.Geographical studies in the Neo-Assyrian Zagros.I.IRAN

v.vol.XI.1973.P.P.1-27.and IRAN.VOL.XII.1974.P.P.99-125.

و همچنین بنگرید به:

-Simo Parpola and Mich ael Porter Helsinki Atlas of the Near East In the

Neo Assyrian Period.2001.

13.Y.B.Klahn. Wramanat dans Altvorderasiatischei Bildstelen und

vergleichbare Felsre liefs main2.1987.

14-R.Borger HKL 11.247.and 111.29.

- 15-j.G urtis Later Me sopotamia and IRAN 20 and pl.vi
- 16-L. Vanden Berghe, Relirfs rupestres de l, Iran ancien (Brussels.1984)22 (cartel)32.and. 156.
- ۱۷ - سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کردستان، از تنگیور تا پالنگان، گروه امور تولید، عابد مدرس گرجی. (زمستان ۱۳۷۹) جزوه‌ای تایپ شده ولی به صورت محدود زیرا کس شده است.
- ۱۸ - سرفراز، پیشین، ص ۱۶.
- ۱۹ - پیشین، همانجا،
- ۲۰ - پیشین، ص ۱۷
- ۲۱ - پیشین، ص ۱۸
- 22-Reade Irant.12.1977.p.44
- 23-Frame. 1999.op.cit.p.34.
- 24-I bid. p.35
- 25-I bid p.35
- 26-I.bid. op-p.39-41
- ۲۷ - بین النهرین ها و به ویژه آشوریان خدایان متعددی را پرستش می کردند اما در امپراتوری آشور "خدای آشور" که خدای ملی آنهاست در سطر اول و ابتدای کتیبه آمده است، فرمانروایی بزرگ را در حکومت آشور تنها خدایان در اختیار داشتند و عنوان شاهی در این دوره انحصاراً به خدای ملی آشور تعلق داشت، (یوسف مجیدزاده، تاریخ و تمدن بین النهرین، ۳جلد، جلد اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۶).
- ۲۸ - سطر دوم کتیبه در اثر فرسایش در طول ۲۷ قرن قابل قرائت نبوده است و نام

یکی از خدایان آشور است که در سطر دوم قرار داشته است، چون بلافاصله پس از سطر اول کتیبه که نام خدای ملی آشوری‌ها آمده است.

۲۹ - خدای مردوک، خدای بزرگ بابلی‌ها بوده است، بنگرید به: مجیدزاده،

یوسف، جلد اول، ص ۱۰۵.

۳۰ - خدای نبو (Nabu) خدای بابلی بوده است که بعدها آشوری‌ها آن را به

عنوان یکی از خدایان خود انتخاب کرده‌اند، چون در هنگامی که تیگلات پیله سوم

بابل را تسخیر نمود، کاهنان بزرگ معابد عهد بابل به حضور او رسیدند، احتمالاً در

مراسم خوش آمد گویی و تایید خدایان بابلی بل (مردوک)، نبو و نرگل، را به وی

ابلاغ کردند... (مجیدزاده پیشین، ص ۳۰۲).

۳۱ - خدای سین، خداماه بوده است که در اینجا به نام سرور آسمان و زمین آمده

است، این خدا در بین النهرین باستانی جایگاهی خاص داشته و معابد مختلفی در

تمدن‌های سومری، آکادی، بابلی و آشوری بر آن ساخته‌اند.

۳۲ - خدای شمش: خدای خورشید بین النهرین است، در اساطیر بین النهرین

جایگاهی خاص داشته است برای اطلاعات بیش‌تر بنگرید به: (مجیدزاده، جلد اول،

ص ۷۶ - ۷۵).

۳۳ - خدای ایشتار: این خدا همانند سایر خدایان متعلق به سومری‌ها بوده و

بعدها در تمدن‌های اکدی، بابلی و به ویژه آشوری مورد توجه قرار گرفته است، شهر

وارکا (اروک) به دو تن از خدایان عمده اهداء شده بود، یکی "آن" یا "آنو" خدای

خدایان و خدای آسمان و دیگری "اینن" الهه عشق و جنگ، که با نام سامی خود

"ایشتر" از شهرت بیش‌تری برخوردار است (مجیدزاده/ پیشین، جلد اول، ص ۵۷)

۳۴ - هفت خدا در نزد پادشاهان میان رودان از اهمیت خاصی برخوردار

بوده‌اند، که به ترتیب از آن‌ها یاد شده است به ویژه در یک جمله از اهمیت هفت

خدایی که یاور پادشاهان آشوری هستند، این هفت خدا هستند که پادشاهان را انتخاب و در میدان جنگ آنها را به پیروزی می‌رسانند، احتمالاً شباهتی فراوانی با امشاسبندان آیین‌های باستانی ایران دارند، البته در سطر یازدهم کتیبه به این موضوع اشاره دارند که سارگن دوم شاه سرزمین سومر و آکاد و آشور و بابل است و برگزیده از سوی خدایان بزرگ است که او از آنها به هفت خدا یاد کرده است.

۳۵ - احتمالاً در نزدیکی سرزمین دیلمون (بحرین) قرار داشته است، برای اطلاعات بیشتر در باره سرزمین بیت - یکین بنگرید به: مجیدزاده، پیشین، جلد اول صفحات ۲۵، ۲۶، ۲۶۳، ۲۶۷ همچنین بنگرید به: Helsinki Atlas. 2001.P.7

۳۶ - دیلمون (تیلمون) را با سرزمین بحرین در خلیج فارس یکی می‌دانند (Helsinki-Atlas.p.17) چون آنچه که در کتیبه درباره آرامگاه شاده دیلمون آورده تا حدود زیادی مشخص است که مقبره او در میان آنها بوده است. (سطر ۲۷ کتیبه تنگیور)، حتی از اواخر هزاره سوم پیش از میلاد به بعد در متون میخی به حرکت کشتی‌ها از اور به دیلمون (بحرین)، و... اشاره‌های مکرری شده است، مدارک فراوان نشان می‌دهند که پادشاهان اکد در حدود ۲۳۰۰ ق.م و پادشاهان آشوری در هزاره اول قبل از میلاد کوشیدند، تا در چارچوب نفوذ سیاسی - اقتصادی خود به سرزمین‌های کناره خلیج فارس حمله کنند. (مجیدزاده، پیشین، جلد اول، ص ۸)

37- Fram. 1999.p.p.41-42

۳۸ بنگرید به: مجیدزاده، تاریخ تمدن بین‌النهرین، ۳ جلد، نشر دانشگاهی، آنتون مورتگات، هنر بین‌النهرین باستان. ترجمه: محمدرحیم صراف، زهرا باستی، تهران، سمت، ۱۳۷۷

The Cambridge Ancient History III The Assyrian. EMPIRE Cambridge.

IRAN.1965.L.D.Levine Vols. xl. XII. 1973.1974. Helsinki Atlas.2001.

39- Frame.op.cit.p.40.

40- Levin. 1974. IRAN. Vol. xl.p.110

41- Frame.op.cit.p.40.

۴۲ - بنگرید به: ا.م دیاکونوف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، ۲۵۳۷، ص ۱۹۴.

۴۳ - رسول اشتودان، بررسی منطقه شاهو کامیاران، (گزارش منتشر نشده) در آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان سال ۱۳۷۱/شمسی ص ۷۲.

۴۴ - گزارش‌های گمانه زنی تپه‌های (توبره ریزه) و (تیانه)، (خامسان)، منتشر نشده که توسط محمود کردوانی در حوالی سال‌های ۱۳۴۸ شمسی انجام شده است، (موچش) در مرکز بخش موچش در شهرستان کامیاران در حدود ۴۶ کیلومتری شمال شرقی کامیاران واقع شده است، دارای محوطه و تپه‌های تاریخی بسیاری است که آثاری از سوختگی در آن به طور کامل مشخص شده است، احتمالاً شاید یکی از مکان‌هایی که مورد حمله آشوریان در هزاره اول قبل از میلاد و پیش از آن قرار گرفته باشد، یکی از نقاط مورد اشاره کتیبه باشد.

۴۵ بنگرید به: Helsinki Atals.p.7.

۴۶ - آشورلی شاه "کرلا" بوده است که در کتیبه تنگی ور به او اشاره شده است، و تحت تاثیر فرهنگ آشوری این نام گذاری صورت گرفته است (نقل شفاهی از مهرداد ملکزاده) دیاکونوف معتقد است که این نام آشوری است، مناسبات خوبی هم با اولوسونو داشته است، (دیاکونوف، تاریخ ماد/ص ۵۱۱)

۴۷ - "ایتی" هم شاه "البریه" بوده است بنگرید به (دیاکونوف/تاریخ ماد/ص ۱۹۶)

نگارنده مقاله درباره "البریه" در دست تالیف دارد که به زودی منتشر خواهد شد.

۴۸ - "اولوسونو" شاه ماننا بوده است (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به

دیاکونوف (تاریخ ماد/صفحات ۱۹۶، ۲۰۱، ۱۹۸)

۴۹ - بنگرید به: دیاکونوف، پیشین، صفحات ۱۹۶ و ۱۹۸ و Frame.op.cit.p.49 و

همچنین مجیدزاده. پیشین، جلد اول، ص ۳۱۴ - ۳۱۲.

۵۰ - این عبارت عیناً از مقاله Frame برداشت و ترجمه شده است بنگرید به:

50-Frame.Ibid p.p49.50

۵۱ - برای اطلاعات دقیق از ترجمه کتیبه نجف آباد بنگرید به:

51-Levine. L.D. Two Neo-Assyrian Stelae from Iran. Toronto-The Royal

Ontario Museum, 1972. ضمناً کتیبه نجف آباد اکنون در موزه ملی ایران، بخش

کتیبه‌ها نگهداری می‌شود.

۵۲ - "لولومه" Lullume/Lullumu احتمالاً ایالت "مازاموا" / "زاموا" یکی باشد.

(Helsinki.p.12) دیاکونوف. "لولومه" را جزو ایالت آشوری زاموا دانسته است. (تاریخ

ماد/ص ۱۹۶) (مجیدزاده/پیشین جلد اول/ص ۱۹۱)

۵۳ - "آمتیاشی" برادر آشورلی "شاه کرلا" از دست نشاندگان سارگون دوم بوده

است. که مردم "کرلا" بر علیه او شورش کرده‌اند

54-Frame.Ibid.p.50.

55-Ibid.p.50

۵۶ - برای اطلاعات بیش‌تر درباره شرح لشکرکشی‌های آشوریان به ویژه سارگون

دوم به منطقه باید بنگرید به: مجیدزاده، جلد اول، ص ۳۱۲ -

57-Frame.Ibid.p.50

58- Ibid.p.p.50-51

59-I did. p. 51

60-L.D.Levine, IRAN. Vol xlii.II.p.p.106-107.

61-

۶۲ - بنگرید به: فرانک هول، باستانشناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران، سمت، ۱۳۸۱، ص ۴۵۲ - ۴۵۱ و.

Ann Gunter Repesetions of Urartian and Western Iranian Fortress

Architecture In The Assyrian Reliefs IRAN.Vol.xx.1982p.p103.112

۶۳ - دیاکونوف، پیشین /ص ۱۶۲ و ۱۹۷

۶۴ - برای اطلاعات بیش تر بنگرید به:

1David. Stronach. Excavations at Tepe.Nush-I-jan.1976.Vol vii,1968.

,IRAN .1971.Vol Ix./IRAN.vol.xII.1974. IRAN.1975.vol XIII./IRAN.1976.XVI.

65- Levine.op.cit.IRAN.II.P.110

۶۶ - دیاکونوف، پیشین، ص ۱۹۸ - ۱۹۶.

۶۷ - بنگرید به: Helsinki Atalas.2001.p.II.

۶۸ - (شورگادیا)، یکی از نقاطی بوده که آشوری ها آن را تصرف کرده و از

سرزمین ماننا منتزع نموده اند و به ایالت آشوری پارسوا ملحق کردند، آنگاه سارگون

دوم به سوی نقاط دورتر به طرف نواحی که نظارت بر آن ضعیف روی نموده است.

دیاکونوف، پیشین - ص ۱۹۶)

۶۹ - موقعیت جغرافیایی دقیق (گانغوتا) مشخص نیست، فقط در جغرافیای

جدید به نام رودی جغتو و نغتو در شمال غربی استان کردستان برخورد می کنیم که در

شمال شرقی زاب کوچک واقع شده است، این رودخانه در منطقه شمال غربی

کردستان قرار دارد، احتمالاً که (جغتو یا نغتو) را با (گانغو) تا یکی باشد، (برای

اطلاعات بنگرید حمداله مستوفی) نزهة القلوب، به کوشش محمد دبیرسیاتی

زوین، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵)

- ۷۰ - بنگرید به: اصل مقاله
و همچنین ترجمه مقاله تحت عنوان:
- آن، گانتر، تصاویر معماری قلعه‌های اورارتویی و غرب ایران در نقش
برجسته‌های آشوری، ترجمه: ویدا ابتهاج، فصلنامه هنرنامه، تابستان ۱۳۸۱، سال
پنجم، شماره ۱۵، ص ۱۳۱ - ۱۰۹
- ۷۱ - بنگرید به: L.D.levine IRAN.XII.op.cit.p.110
- ۷۲ - دیاکونوف، پیشین، ص ۴۸۹ (از حواشی فصل دوم کتاب) ظاهراً این
"شوردا" (شوردیرا) و "آریدو" در مرز شرقی آشور قرار داشته (دیاکونوف ۱۵۸/)
منطقه تنگی ور که با همان "کرلا" یکی است در مرز شرقی آشور باشد.
- ۷۳ - یوسف مجیدزاده، پیشین، جلد سوم ۱۳۸۰ ص ۲۲۰ - ۲۰۵
- ۷۴ - بنگرید به: احمد بهمنش. تاریخ ملل قدیم، آسیای غربی، تهران، دانشگاه
تهران، ۱۳۶۹، ص ۶۴ - ۲۶۱.
- ۷۵ - بنگرید به: مهرداد ملکزاده، (اندیه، شاهک نشینی در سرزمین ماد بزرگ و
شاهکارهای هنری مارکیک، مجله باستانشناسی و تاریخ سنال هشتم، شماره دوم، بهار و
تابستان ۱۳۷۳، ص ۱۸ - ۱۲
- ۷۶ - بنگرید به: یوسف مجیدزاده، تاریخ و تمدن ایلام، تهران، نشر
دانشگاهی، ۱۳۷۰، پیرامیه، تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران، دانشگاه
تهران، ۱۳۸۱
- ۷۷ - بنگرید به: فرانک هول، باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، ص
۴۵
- ۷۸ - بنگرید به: Levine.opcit.p.106
- ۷۹ - بنگرید به: مهرداد ملکزاده، پیشین، ص ۱۲

- ۸۰ - بنگرید به: دیاکونوف، پیشین، ص ۸۶
- ۸۱ - برای اطلاعات کامل از وضعیت و موقعیت سرزمین اندیه بنگرید به مهرداد ملکزاده پیشین، ص ۱۸ - ۱۲ و همچنین بنگرید به: Helsinki Atlas.2001.p.5
- ۸۲ - بنگرید به: دیاکونوف/پیشین. اکثر صفحات کتاب.
- ۸۳ - در سال‌های اخیر علاوه بر کشفیاتی که قبلاً در تپه حسنلو مربوط به دوره ماننا صورت گرفته بود، در نقاطی همچون قلعه چی در شهرستان بوکان که آن را پایتخت ماننا می‌دانند تپه زیویه در شهرستان سقز که آثار دوره اول آن مربوط به دوره مانناهاست و آثاری در سال ۱۳۸۱ شمسی و سال ۱۳۸۲ از گورستان قدیمی بنام کول تاریکه در پنج کیلومتری جنوب شرقی غار کرفتو از شهرستان دیواندره بدست آمد که گویای اهمیت و موقعیت وسعت سرزمین مانناست. گزارش‌های گورستان مذکور آماده نشر است امید است که بزودی برای اطلاع علاقمندان انتشار یابد.
- ۸۴ - ان، گانتر، پیشین، ترجمه، ویدا ابتهاج، ص ۱۱۳ - ۱۱۲.
- ۸۵ - بنگرید به: دیاکونوف، پیشین، ارومن گریشمن، ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین تهران، علمی - فرهنگی، ۱۳۶۴/ ارومن، گریشمن، هنر ایران در دوره ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰/ کامیار عبدی، واریسی دوره ماد (قسمت اول) مجله باستانشناسی و تاریخ، سال هشتم شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۷۲، ص ۲۸ - ۱۵ / Helsinki Atlas.2001
- ۸۶ - ان - گانتر، پیشین، ص ۱۱۷ - ۱۱۳
- ۸۷ - در گودین تپه آثاری از هزاره‌های چهارم و بویژه هزاره اول قبل از میلاد مربوط به دوره ماد بدست آمده است، این تپه در شهرستان کنگاور از استان کرمانشاه قرار دارد، بنگرید به کامیار عبدی، پیشین، ص ۳۵ - ۱۷
- ۸۸ - آثار معماری باباجان با برج و باروی آن از کاوش‌های باستان‌شناسی بدست

آمده است، بنگرید به: Goff, Clarel, Babajan

Tepe. IRAN. Vol. 1987. Vol. VII. 1969. Vol. XV 1977

۸۹- تپه نوشیجان در ۲۰ کیلومتری شهر ملایر، از استان همدان قرار دارد، بقایای یکی از درزهای مهم مادی در آنجا طی کاوش‌های باستان‌شناسی بدست آمده است، این آثار بر روی یک تپه بلند که به تمام پیرامونش اشراف دارد، واقع شده است و بنگرید به:

David Stronach Excavation At Tepe Nush - i - jan. op. cit

۹۰- تپه هگمتانه در داخل شهر همدان و به اعتقاد بسیاری پایتخت مادها بوده است بنگرید به محمد رحیم صراف هگمتانه، در شهرهای ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، ۴ جلد جلد سوم، تهران، ۱۳۶۷

۹۲- محوطه باستانی ازبکی در شهرستان ساوجبلاغ در پانزده کیلومتری جنوب غرب شهر قدیم هشتگرد در حدود دو کیلومتری غرب شهرک سید جمال الدین اسدآبادی در ۷۳ کیلومتری شمالغرب تهران در شمال شرق روستای ازبکی واقع شده است بنگرید به یوسف مجیدزاده، گزارش مقدماتی نخستین فصل حفريات باستانشناسی در محوطه ازبکی شهرستان ساوجبلاغ پاییز ۱۳۷۷ مجله باستانشناسی و تاریخ، سال سیزدهم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص ۸۱-۵۷

93 - L.D. Levien. 1972. Two Neo Assy rian Stelae .From Iran.

94 - Frame . op . cit. p 53

95 - I bid . p . 53

۹۶- بنگرید به: آنتون مورتگات، هنر بین‌الهنرین باستان، بخش پیکره‌ها و نقش برجسته‌های آشوری، ص ۲۹۵-۲۳۵، و مقایسه کنید با نقوش برجسته پادشاه (سارگن دوم) در کاخ خورس آباد - مجیدزاده، پیشین، جلد ۳، تصویر ۵۰۹.

۹۷ - علی اکبر سرفراز، پیشین، ص ۱۹

98 - Frame. op. cit. 53

99 - I bid. 53

۱۰۰ - بنگرید به: اصل مقاله Crant Frame در شماره ۲ ارجاعات همین مقاله به آن اشاره شده است، بخشی از کتیبه تنگی ور توضیحاتی مربوط به نواحی مصر دارد که مورد تهاجم سارگون دوم و شاهان قبلی آشوری قرار گرفته است.



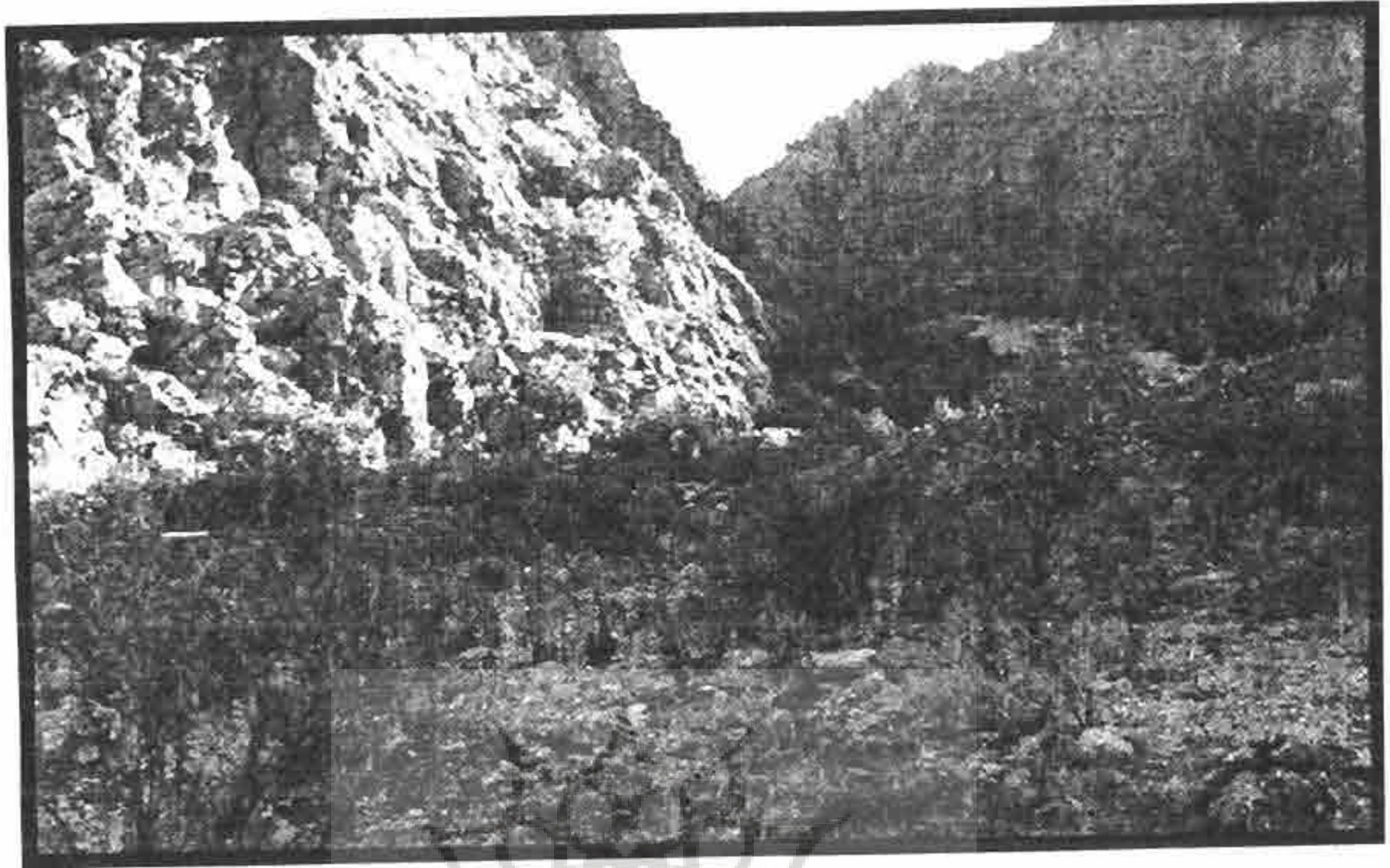
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

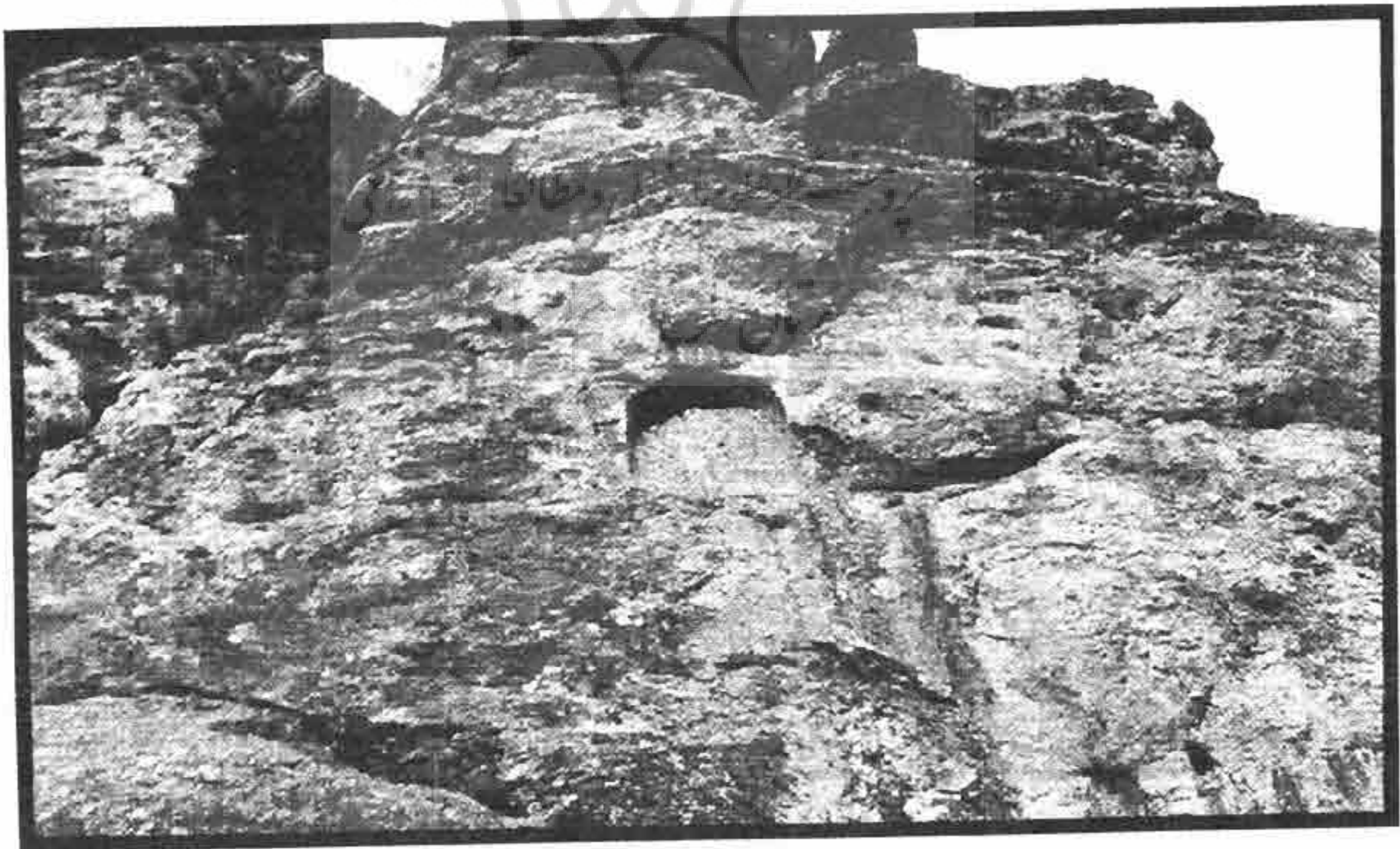
۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

قسمتی از متن کتیبه اورامانات به اندازه متن اصلی (کتیبه تنگی و ...)
 (برگرفته از مقاله علمی اکبر سرفراز)

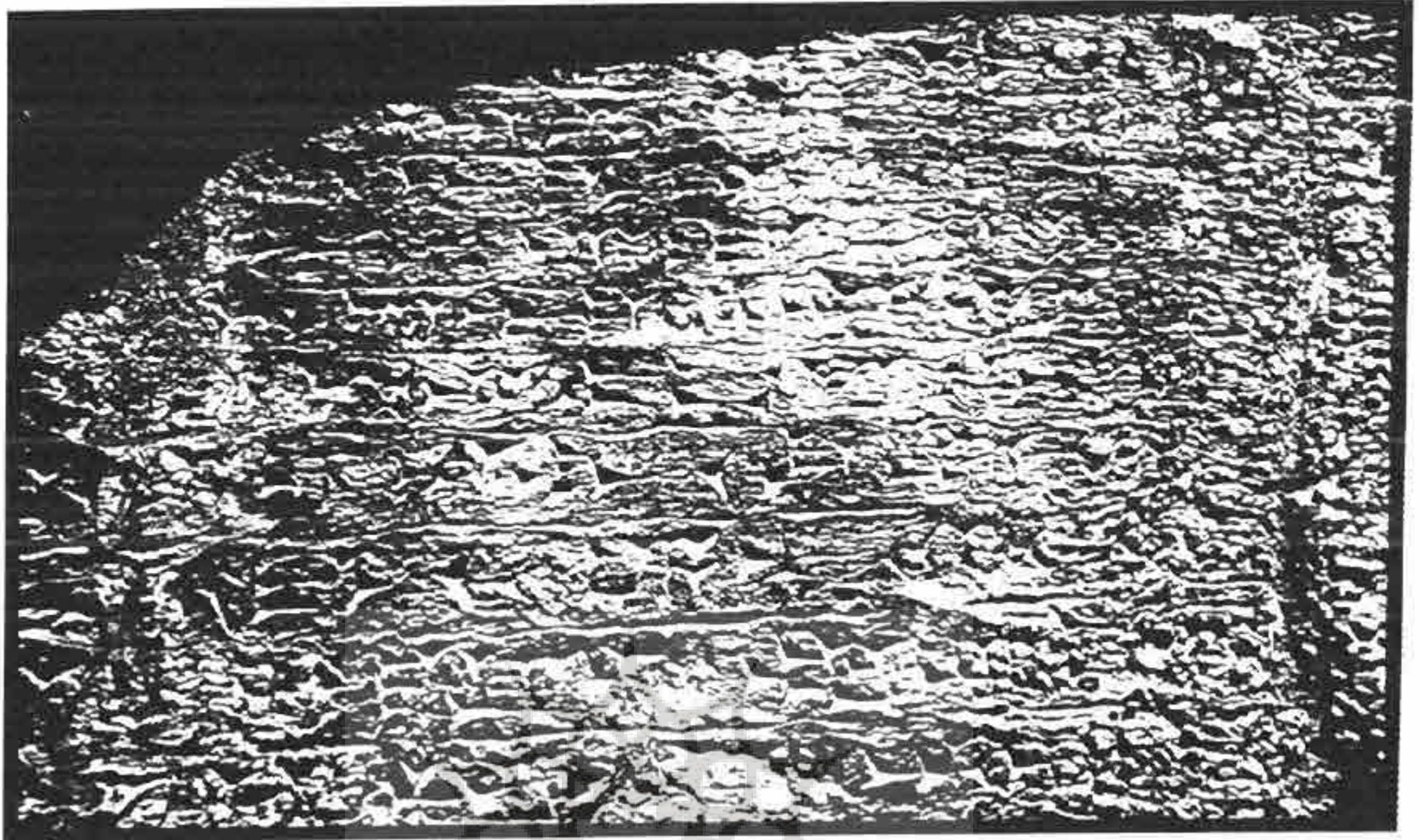




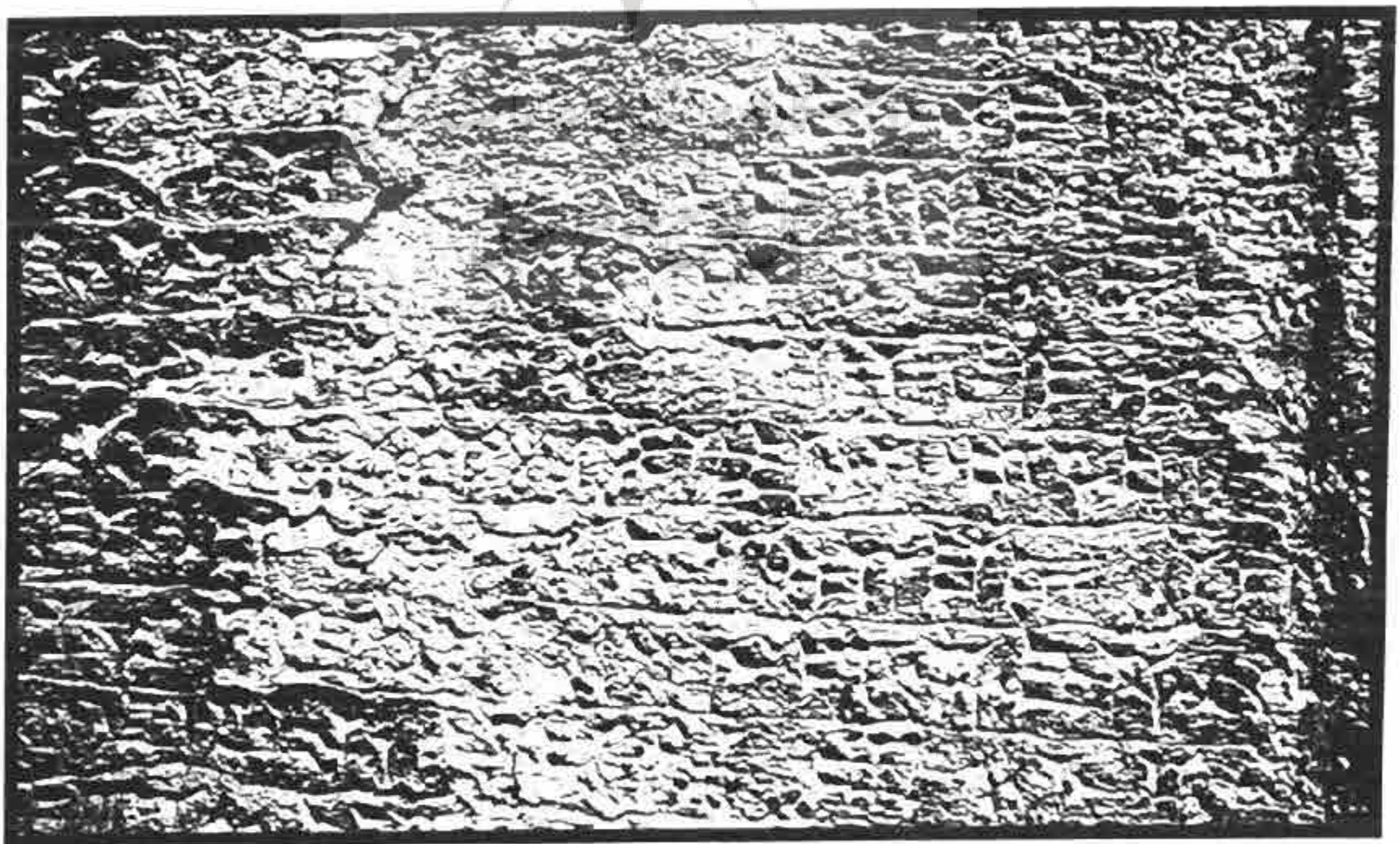
دروازه مشهور به شتر گلوی (گلوی شتر) تنگیور



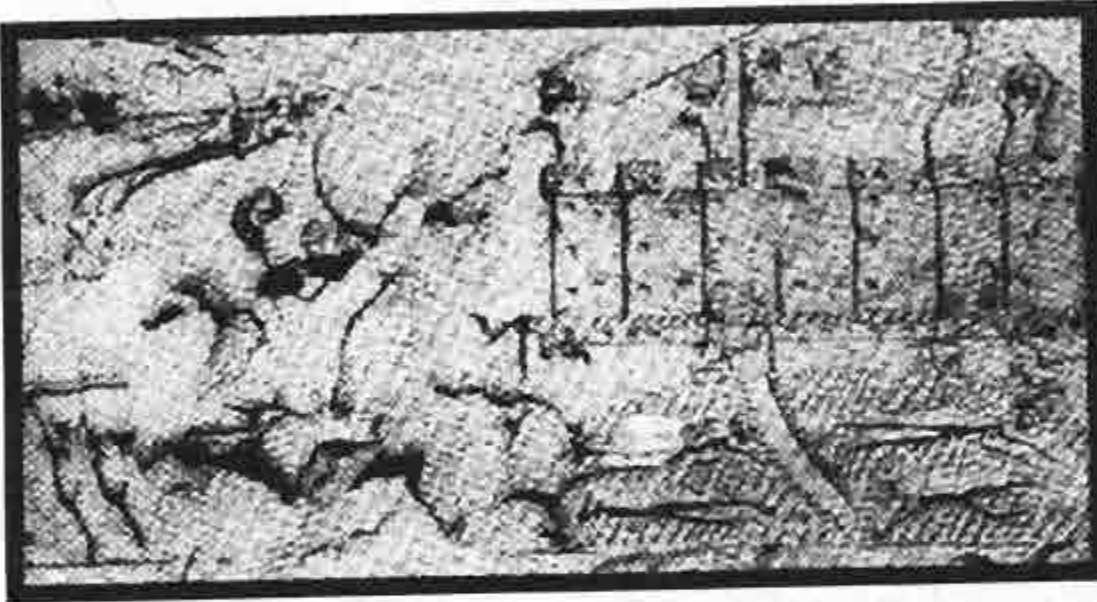
نمایی از کتیبه و نقش برجسته تنگیور



سطرهایی از کتیبه تنگی‌ور کامیاران . کردستان . ایران
(سطرهای ۱۳ - ۲)



سطرهایی از کتیبه تنگی‌ور کامیاران . کردستان . ایران
(سطرهای ۱۳ - ۲۲)



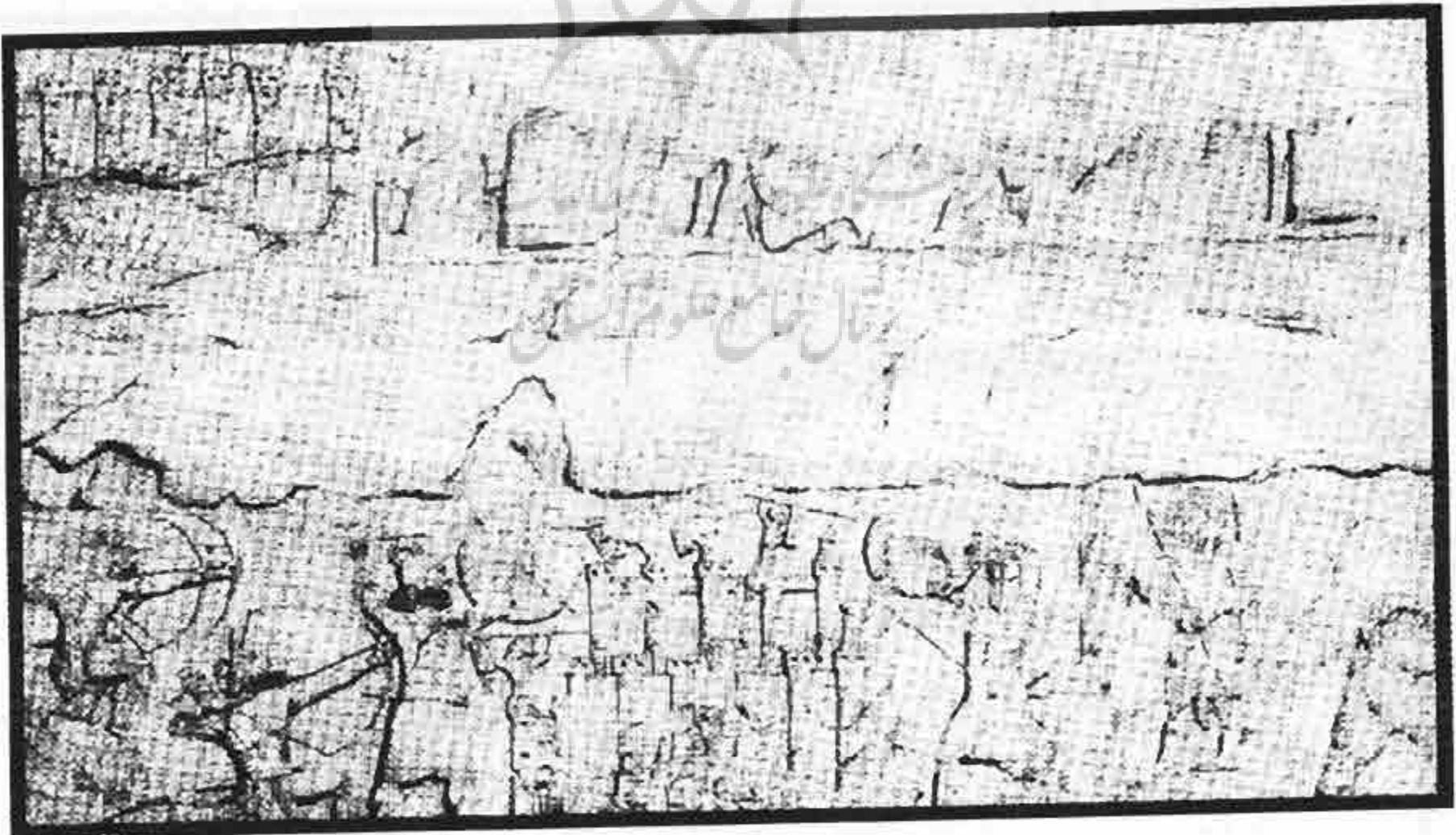
**قلعه مادی کیندانو
از کاخ خورس آباد
سارگون دوم**

برگرفته از مقاله گانتر

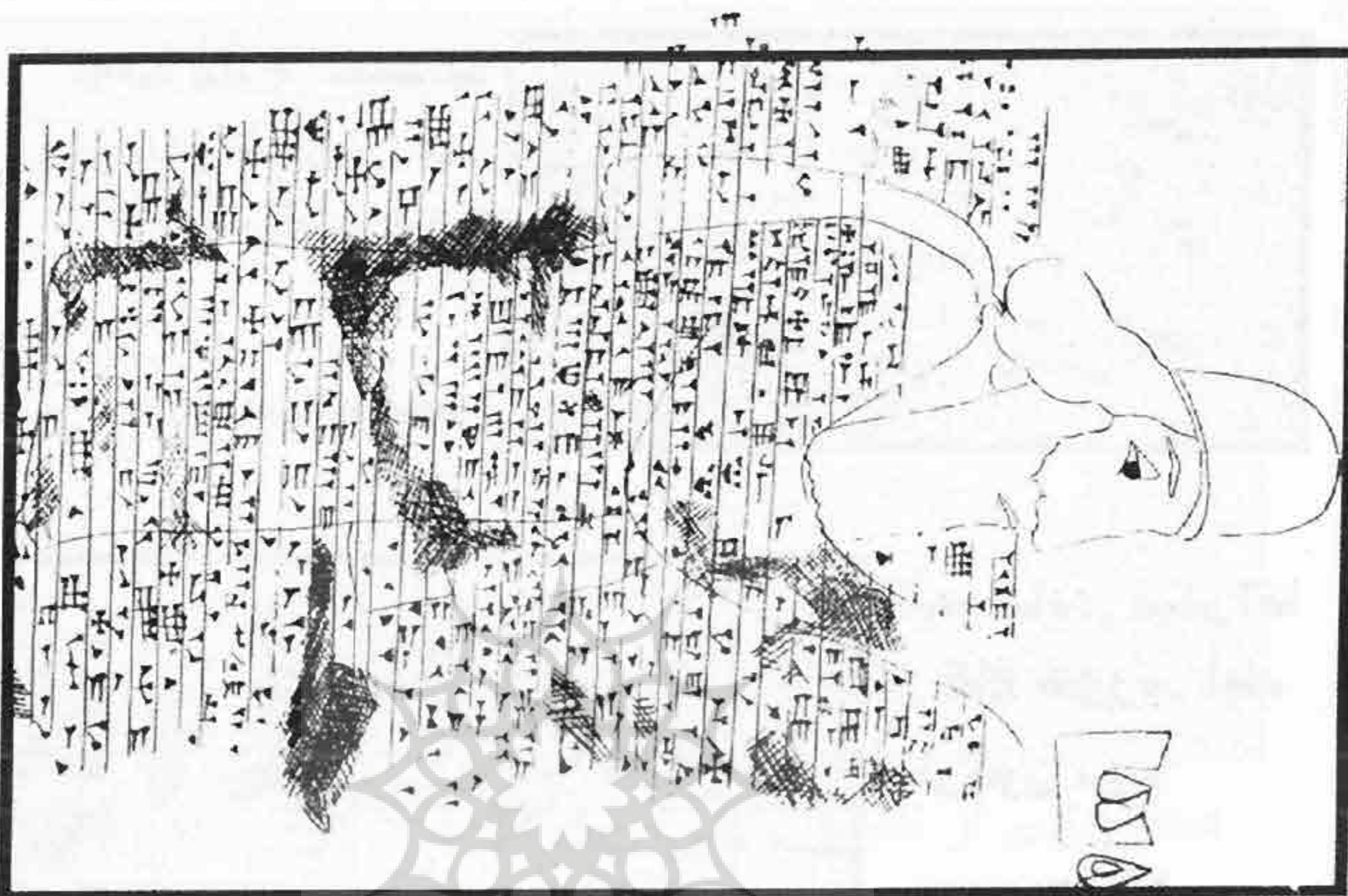
**قلعه مادی تیکراکا
از کاخ خورس آباد
سارگون دوم**



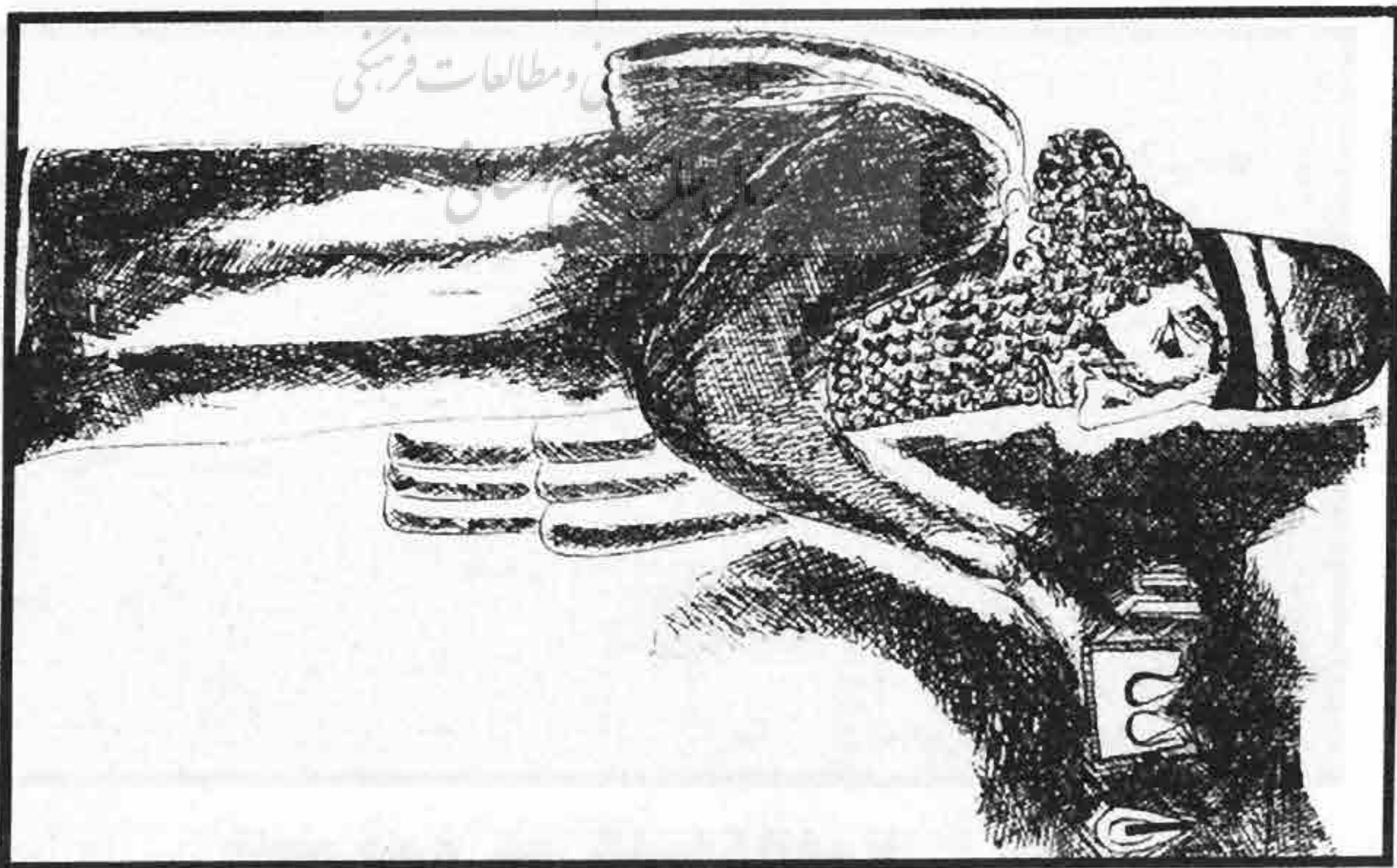
برگرفته از مقاله گانتر



**قلعه مادی شورگادیا (گانفوتا)
از کاخ خورس آباد سارگون دوم**



طرحی از نقش برجسته سنگینبته تنگی‌ور



طرح نقش برجسته تنگی‌ور

مطالعات فرهنگی